



تحول جایگاه منطقه‌ای ایران در تجارت غذا؛
از برتری صادراتی تا وابستگی ساختاری واردات



معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران





معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

تحول جایگاه منطقه‌ای ایران در تجارت غذا؛
از برتری صادراتی تا وابستگی ساختاری واردات
نویسنده: روجا کیان‌پور

از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادها و نظرات اصلاحی خود را به واحد
مربوطه منعکس نمایید:

economic_research@tccim.ir

مواضع این گزارش، الزاما مواضع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.
استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

مرداد ۱۴۰۵

فهرست مطالب

۴.....	خلاصه مدیریتی
۶.....	مقدمه
۸.....	چارچوب پژوهش و روش‌شناسی
۱۱.....	جایگاه ایران در تجارت منطقه‌ای غذا: روند تحولات (۱۳۹۵-۱۴۰۴)
۲۰.....	تحلیل جایگاه ایران در تجارت غذا
۲۵.....	بحران ژئوپلیتیک ۱۴۰۴-۰۵ آزمون تاب‌آوری ساختار تجارت غذایی ایران
۲۹.....	جمع‌بندی یافته‌ها و پیشنهادهای سیاستی
۳۲.....	منابع

فهرست نمودارها

۱۲ ۱۳۹۶	نمودار ۱- سهم کشورهای همسایه از صادرات و واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران (N15) در سال
۱۴ ۱۳۹۹	نمودار ۲- سهم کشورهای همسایه از صادرات و واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران (N15) در سال
۱۴۰۰	نمودار ۳- سهم کشورهای همسایه در جهش پنج میلیارد دلاری واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران در سال
۱۵	نمودار ۴- نسبت وابستگی ایران و کشورهای همسایه به واردات غلات -میانگین سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۳
۱۸ ۱۴۰۳	نمودار ۵- سهم کشورهای همسایه از صادرات و واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران (N15) در سال
۲۱	نمودار ۶- روند تغییر تراز تجاری ایران طی سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۰ ماه نخست ۱۴۰۴
۲۶	نمودار ۷- مقایسه تاب‌آوری مسیرهای اصلی تأمین غذا در بحران ژئوپلیتیکی ۱۴۰۴-۰۵

فهرست جداول

۹	جدول ۱- ترکیب کشورهای همسایه ایران (N15) و ویژگی غالب روابط تجاری غذایی در هر زیرمنطقه
۱۰	جدول ۲- چهار دوره تحلیلی تجارت محصولات کشاورزی و غذایی ایران با کشورهای همسایه
۲۱	جدول ۳- تراز تجاری محصولات کشاورزی و صنایع غذایی ایران به تفکیک زیرمنطقه
۲۷	جدول ۴- سناریوهای محتمل اثر تداوم بحران ژئوپلیتیکی بر واردات غذایی ایران از زیرمنطقه خلیج فارس و دریای عمان در سال ۱۴۰۵
۳۱	جدول ۵- اولویت‌های سیاستی پیشنهادی برای ارتقای تاب‌آوری تجارت غذایی ایران

خلاصه مدیریتی

جایگاه منطقه‌ای ایران در تجارت محصولات کشاورزی و غذایی طی یک دهه گذشته دستخوش تغییرات ساختاری شده است. این تغییر را نمی‌توان صرفاً با افزایش یا کاهش حجم تجارت توضیح داد، بلکه حاصل بازآرایی تدریجی ساختار جغرافیایی تجارت منطقه‌ای ایران (شامل توزیع جغرافیایی صادرات و واردات، تراز تجاری با کشورهای همسایه و مسیرهای اصلی تأمین) است؛ شبکه‌ای که در آن الگوی صادرات، واردات و مسیرهای تأمین به‌طور هم‌زمان دگرگون شده‌اند. این گزارش، با اتکا به داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران در دوره ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴، روند تجارت محصولات کشاورزی و غذایی ایران با پانزده کشور همسایه (N15) را بررسی کرده و نشان می‌دهد که مهم‌ترین تحول این دوره، نه تنها کاهش توان صادراتی ایران نبوده، بلکه افزایش وابستگی ساختاری واردات و تمرکز فزاینده شبکه تأمین بوده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ایران که در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ صادرکننده خالص محصولات کشاورزی و غذایی در میان کشورهای همسایه بود، از ابتدای دهه ۱۴۰۰ وارد مرحله کسری تجاری ساختاری شده است؛ این کسری تراز تجاری ناشی از پیشی گرفتن پایدار رشد واردات بر رشد صادرات است، نه نوسانات مقطعی تجارت. تراز تجاری محصولات کشاورزی و غذایی ایران با کشورهای N15 از مازاد ۲۳۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۶ به کسری ۳۵۴ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ تغییر یافته است. با این حال، بررسی روند ده‌ساله نشان می‌دهد که صادرات ایران در این دوره، علی‌رغم تحریم‌ها، نوسانات بازارهای جهانی و تحولات منطقه‌ای، در سطحی نسبتاً پایدار باقی مانده، اما واردات کالاهای اساسی و نهاده‌های تولید غذا با شتاب قابل‌توجهی افزایش یافته است.

وابستگی ساختاری واردات در این گزارش مفهومی ترکیبی است که از دو مؤلفه تشکیل می‌شود. نخست، تغییر تراز تجاری از مازاد به کسری ساختاری است؛ کسری‌ای که نه از نوسانات مقطعی، بلکه از پیشی گرفتن پایدار رشد واردات بر رشد صادرات ناشی می‌شود و دوم، تمرکز فزاینده جغرافیای تأمین بر تعداد محدودی از شرکا و مسیرهای تجاری است. این دو مؤلفه در کنار هم، ماهیت وابستگی ساختاری واردات ایران را شکل می‌دهند.

تحلیل جغرافیای تجارت نیز نشان می‌دهد این تحول در سراسر حلقه همسایگی به‌صورت یکنواخت رخ نداده است. زیرمنطقه شرقی همچنان پایدارترین منبع مازاد تجاری ایران باقی مانده و عراق و افغانستان جایگاه خود را به‌عنوان مهم‌ترین بازارهای صادراتی کشور حفظ کرده‌اند. در مقابل، فرسایش تدریجی مزیت تجاری در غرب و قفقاز، افزایش واردات از ترکیه و به‌ویژه شکل‌گیری کسری فزاینده در تجارت با کشورهای حوزه خلیج فارس و دریای عمان، ساختار تجارت منطقه‌ای ایران را تغییر داده است؛ منظور از این تحول ساختاری، تغییر در ساختار جغرافیایی روابط تجاری ایران با کشورهای همسایه است، نه تغییر در ترکیب کالاهای مبادله‌شده؛ در سال ۱۴۰۳ تقریباً تمام کسری تجاری ایران با کشورهای N15 از این زیرمنطقه ناشی می‌شد.

ریسک تأمین واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران بیش از آنکه به حجم تجارت یا حتی تمرکز شرکای تجاری مربوط باشد، به تمرکز بر مسیرهای تأمین وابسته است. طی سال‌های اخیر، بخش عمده واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران از طریق دو کانال اصلی، یعنی امارات متحده عربی و ترکیه، انجام شده است؛ دو مسیری که از نظر ویژگی‌های لجستیکی تفاوت بنیادین دارند. شواهد اولیه بحران ژئوپلیتیکی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ نخستین آزمون عملی این ساختار بود و نشان

داد که اختلال در مسیر دریایی خلیج فارس و تنگه هرمز، جریان تأمین کالاهای اساسی را به طور مستقیم تحت تأثیر قرار داد، در حالی که کریدور زمینی ترکیه از پایداری بیشتری برخوردار بود.

در عین حال، یافته‌های گزارش نشان می‌دهد وابستگی وارداتی ایران تنها به تجارت منطقه‌ای محدود نیست. بخش مهمی از امنیت غذایی کشور به تأمین نهاده‌هایی مانند غلات، دانه‌های روغنی، روغن خام و خوراک دام وابسته است؛ نهادهایی که از شبکه‌ای فراتر از همسایگان تأمین می‌شوند و هرگونه اختلال در دسترسی به آنها، مستقیماً بر تولید داخلی و امنیت غذایی کشور اثر می‌گذارد. از این منظر، مدیریت تجارت غذا صرفاً یک موضوع تجاری نیست، بلکه بخشی از سیاست‌گذاری امنیت غذایی و تاب‌آوری اقتصادی کشور به شمار می‌رود.

بررسی تجربه کشورهای منطقه نیز نشان می‌دهد که افزایش تاب‌آوری تجارت غذا، بیش از آنکه به افزایش حجم واردات وابسته باشد، به نحوه مدیریت ریسک شبکه تأمین بستگی دارد. تنوع‌بخشی به شرکای تجاری، توزیع متوازن واردات بین کریدورهای مختلف حمل‌ونقل و ایجاد ذخایر راهبردی نهاده‌های کشاورزی، مهم‌ترین اقداماتی هستند که کشورهای منطقه برای کاهش آسیب‌پذیری خود در برابر شوک‌های ژئوپلیتیکی دنبال کرده‌اند.

راهبرد آینده تجارت غذایی ایران بر سه محور استوار می‌شود: کاهش تمرکز جغرافیایی واردات از طریق تنوع‌بخشی به مبادی و مسیرهای تأمین، تقویت کریدورهای جایگزین زمینی و چندوجهی برای کالاهای راهبردی و در آخر ایجاد ذخایر راهبردی نهاده‌های تولید متناسب با ریسک‌های ژئوپلیتیکی. در کنار این اقدامات، حفظ بازارهای صادراتی تثبیت‌شده، تنوع‌بخشی به منابع جهانی تأمین نهاده‌ها و استقرار نظام پایش مستمر تجارت منطقه‌ای، می‌تواند تاب‌آوری تجارت غذایی کشور را در برابر شوک‌های آینده افزایش دهد.

در مجموع، جایگاه منطقه‌ای ایران در تجارت غذا همچنان از ظرفیت‌های قابل توجه صادراتی برخوردار است، اما تداوم این جایگاه مستلزم بازآرایی شبکه تجارت کشور است. آینده تجارت غذایی ایران نه صرفاً با افزایش صادرات یا کاهش واردات، بلکه با کاهش تمرکز ریسک، تنوع‌بخشی به مسیرهای تأمین و ارتقای تاب‌آوری شبکه تجارت تعیین خواهد شد.



۱. مقدمه

جایگاه یک کشور در تجارت منطقه‌ای غذا را نمی‌توان تنها با اتکا به یک شاخص واحد سنجید. سهم از بازار واردات یا صادرات همسایگان، عمق و تنوع پیوندهای تجاری، نقش در زنجیره‌های تأمین منطقه‌ای و میزان وابستگی متقابل با شرکای تجاری، هر یک تنها بخشی از این تصویر را بازتاب می‌دهند و تنها در کنار یکدیگر می‌توانند ارزیابی واقع‌بینانه‌ای از موقعیت یک کشور ارائه کنند. با وجود مزیت ژئوپلیتیکی ایران در همسایگی با پانزده کشور دارای مرز زمینی یا دریایی، اغلب ارزیابی‌های موجود جایگاه ایران را صرفاً بر مبنای میزان صادرات به این بازارها بررسی کرده‌اند. در نتیجه، پرسش‌های مهمی هنوز بی‌پاسخ مانده است: ایران در شبکه تجارت غذایی منطقه چه جایگاهی دارد؟ آیا همچنان بازیگر غالب صادراتی است یا روابط تجاری آن بیش از گذشته بر وابستگی متقابل استوار شده است؟ در سال‌های اخیر، چه تغییری در سهم ایران از بازار وارداتی همسایگان ایجاد شده؟ و در نهایت، این جایگاه تا چه اندازه در برابر شوک‌های ژئوپلیتیکی منطقه تاب‌آور است؟ پاسخ به این پرسش‌ها، مستلزم نگاهی فراتر از شاخص‌های متعارف تجارت خارجی است. در این گزارش، جایگاه منطقه‌ای ایران صرفاً بر مبنای حجم صادرات یا واردات سنجیده نمی‌شود، بلکه با در نظر گرفتن چهار مؤلفه شامل تراز تجاری، سهم از بازار کشورهای همسایه، ساختار جغرافیایی روابط تجاری و میزان تاب‌آوری شبکه تأمین مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

اهمیت این موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود که به جایگاه بخش کشاورزی و صنایع غذایی در اقتصاد ایران توجه شود. براساس حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، طی سال‌های اخیر حدود ۱۱ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور مربوط به بخش کشاورزی است و صنایع وابسته به آن نیز از بزرگ‌ترین بخش‌های اشتغال‌زا و ارزش‌آفرین اقتصاد ایران به شمار می‌روند (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۴؛ مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳). بخش کشاورزی با امنیت غذایی، اشتغال به‌ویژه در مناطق روستایی و تراز تجاری و درآمدهای ارزی حاصل از تجارت محصولات کشاورزی و غذایی ارتباط مستقیم دارد.

اهمیت بازار کشورهای همسایه در تجارت خارجی ایران نیز موید همین واقعیت است. براساس داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران، حدود ۸۷ درصد وزن و ۸۰ درصد ارزش صادرات محصولات کشاورزی و غذایی ایران به پانزده کشور همسایه اختصاص دارد. در عین حال، تمرکز صادرات بر تعداد محدودی از این بازارها طی سال‌های اخیر افزایش یافته است (فکاری سردهایی و همکاران، ۱۴۰۲؛ کاویانی و بیرجندی، ۱۴۰۳). هرچند این تمرکز از منظر توسعه صادرات قابل توجه است، اما از منظر مدیریت ریسک، آسیب‌پذیری تجارت منطقه‌ای ایران را در برابر اختلالات سیاسی، اقتصادی و لجستیکی افزایش می‌دهد.

با این حال، اتکا به آمار صادرات محصولات کشاورزی و غذایی به‌تنهایی تصویر کاملی از جایگاه منطقه‌ای ایران ارائه نمی‌دهد. ارزیابی موقعیت ایران در تجارت منطقه‌ای غذا بدون در نظر گرفتن جریان متقابل واردات این محصولات، نمی‌تواند تصویر دقیقی از روابط تجاری کشور ارائه کند. ممکن است صادرات کشوری افزایش یابد، اما اگر واردات آن از همان بازارها با سرعت بیشتری رشد کند، جایگاه نسبی آن در عمل تضعیف خواهد شد؛ حتی اگر ارزش مطلق صادرات همچنان روندی



صعودی داشته باشد. بررسی داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران در بازه یک دهه گذشته دقیقاً چنین روندی را نشان می‌دهد. در حالی که صادرات ایران به کشورهای همسایه طی ده سال اخیر تغییر محسوسی نداشته است، واردات از همین کشورها چندین برابر افزایش یافته و در نتیجه، ساختار روابط تجاری ایران با همسایگان دستخوش تغییر شده است. پیامد این تحول آن بوده که ایران، که در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ صادرکننده خالص غذا به منطقه محسوب می‌شد، اکنون در روابط تجاری خود با بسیاری از همسایگان به سطحی بالاتر از وابستگی متقابل رسیده و در برخی از شرکای کلیدی، وزن واردات آن بر صادرات پیشی گرفته است.

با وجود اهمیت این تحولات، جایگاه منطقه‌ای ایران در تجارت غذا تاکنون نه در ادبیات پژوهشی داخلی و نه در سیاست‌گذاری عمومی، به صورت جامع و مبتنی بر شواهد بررسی نشده است. مطالعاتی از جمله حسینی و نوروزی (۱۳۹۹)، ثاقب و همکاران (۱۴۰۲) و قلی‌پور و همکاران (۱۴۰۴) نیز هر یک بخشی از ابعاد تجارت محصولات کشاورزی و غذایی ایران را بررسی کرده‌اند؛ با این حال، هیچ‌یک تصویری یکپارچه از جایگاه ایران در کل بازار منطقه و تحول آن در گذر زمان ارائه نمی‌کنند. گروهی دیگر از پژوهش‌ها نیز به تحلیل تجارت محصولات خاص یا بررسی موانع توسعه صادرات پرداخته‌اند. این مطالعات، با وجود ارزش علمی و کاربردی، تصویری یکپارچه از جایگاه ایران در کل بازار منطقه و تحول آن در گذر زمان ارائه نمی‌کنند. این خلأ در سطح سیاست‌گذاری نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ هرچند سهم کشورهای همسایه از تجارت جهانی حدود شش درصد است، اما به دلیل تمرکز بخش عمده تجارت کشاورزی و غذایی ایران در این بازارها، ارزیابی ظرفیت واقعی آنها برای سیاست‌گذاری تجاری کشور اهمیتی راهبردی دارد (World Trade Organization, 2024).

تحولات ژئوپلیتیکی سال‌های اخیر نیز اهمیت این موضوع را دوچندان کرده است. جایگاهی که در شرایط باثبات شکل گرفته، لزوماً در دوره‌های بحران نیز پایدار نخواهد ماند. شواهد بین‌المللی نشان می‌دهد بی‌ثباتی، منازعه و خشونت، دسترسی کشورها به غذا را کاهش داده و وابستگی آن‌ها به تجارت خارجی را افزایش می‌دهد (Global: FAO et al., 2024). از این منظر، بحران ژئوپلیتیکی سال‌های ۱۴۰۴-۱۴۰۵ ضرورت ارزیابی تاب‌آوری جایگاه منطقه‌ای ایران در تجارت غذا را بیش از پیش آشکار ساخته است.

بر این اساس، گزارش حاضر می‌کوشد جایگاه ایران در تجارت منطقه‌ای غذا را بر پایه داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران طی دوره ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ و با رویکردی چندبعدی ارزیابی کند. این ارزیابی، علاوه بر بررسی روند صادرات، تغییرات واردات متقابل، تحول جایگاه ایران در چهار مقطع تاریخی متمایز و میزان تاب‌آوری این جایگاه در برابر بحران‌های اخیر منطقه را نیز در بر می‌گیرد. هدف نهایی، ارائه تصویری مستند و مبتنی بر شواهد از موقعیت ایران در بازار منطقه است تا سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی بتوانند تصمیم‌های آینده خود را نه صرفاً بر مبنای برداشت‌های رایج یا شاخص‌های تک‌بعدی، بلکه بر پایه واقعیت‌های تجاری و روندهای قابل اندازه‌گیری اتخاذ کنند.



۲. چارچوب پژوهش و روش‌شناسی

۲-۱- داده‌ها و مبنای تحلیلی

ارزیابی جایگاه منطقه‌ای ایران در تجارت غذا با یک محدودیت شناخته شده مواجه است؛ ایران داده‌های تجارت خارجی خود را به پایگاه داده تجارت سازمان ملل متحد^۱ گزارش نمی‌کند. از این رو، مبنای تحلیلی در این پژوهش بر داده‌های رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران استوار شده است. داده‌های مورد استفاده، شامل اطلاعات تجارت خارجی در سطح هر ردیف تعرفه و هر کشور طرف معامله را برای دوره ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ و همچنین داده‌های ده‌ماهه نخست سال ۱۴۰۴ است. برای افزایش قابلیت اتکای نتایج، در موارد لازم داده‌های آینه‌ای^۲ نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۲-۲- تعریف قلمرو جغرافیایی مطالعه

نتایج هر تحلیل منطقه‌ای، تا حد زیادی به نحوه تعریف «منطقه» وابسته است. از این رو، نخستین گام این پژوهش، تعیین قلمرو جغرافیایی مطالعه بر مبنایی است که هم مهم‌ترین شرکای تجاری ایران را پوشش دهد و هم از گسترش غیرضروری دامنه تحلیل جلوگیری کند.

در ادبیات تجارت بین‌الملل، سه چارچوب متداول برای تحلیل روابط منطقه‌ای ایران شامل منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا^۳ (MENA)، شورای همکاری خلیج فارس^۴ (GCC) و سازمان همکاری اقتصادی^۵ (ECO) است. با این حال، هیچ‌یک از این چارچوب‌ها با اهداف این پژوهش انطباق کامل ندارند. چارچوب MENA به دلیل گستردگی جغرافیایی، کشورهای را در بر می‌گیرد که ارتباط تجاری محدودی با ایران دارند. چارچوب GCC صرفاً به شش کشور حوزه خلیج فارس محدود است و شرکای مهمی همچون عراق، ترکیه، افغانستان و روسیه را کنار می‌گذارد. در مقابل، چارچوب ECO اگرچه افغانستان، پاکستان و ترکیه را پوشش می‌دهد، اما کشورهای حوزه خلیج فارس را که بخش قابل توجهی از تجارت محصولات کشاورزی و غذایی ایران را به خود اختصاص می‌دهند، شامل نمی‌شود.

بر همین اساس، در این گزارش به جای استفاده از تقسیم‌بندی‌های متعارف، معیار «مرز جغرافیایی مستقیم» مبنای تعریف منطقه قرار گرفته است. منطقه مورد مطالعه که در ادامه با عنوان پانزده کشور همسایه ایران^۶ (N15) معرفی می‌شود، تمامی کشورهای را شامل می‌شود که با ایران مرز زمینی یا از طریق خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر مرز آبی دارند. این مجموعه در چهار زیرمنطقه طبقه‌بندی شده است که در جدول ۱ ارائه می‌شود.

¹ United Nations Comtrade

^۲ داده‌های آینه‌ای (Mirror Data)، یعنی آمار تجارت ثبت‌شده توسط کشورهای طرف معامله ایران که برای راستی‌آزمایی و تکمیل داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران به کار می‌روند.

³ Middle East and North Africa

⁴ Gulf Cooperation Council

⁵ Economic Cooperation Organization

⁶ Iran's Fifteen Neighboring Countries



طبقه‌بندی ارائه‌شده در جدول ۱ بر مبنای الگوهای غالب تجارت محصولات کشاورزی و غذایی ایران تنظیم شده است. نقش هر یک از کشورها و زیرمنطقه‌ها در فصل‌های بعد، با استناد به داده‌های کمی و روندهای تجارت دوجانبه، به تفصیل تحلیل خواهد شد.

جدول ۱- ترکیب کشورهای همسایه ایران (N15) و ویژگی غالب روابط تجاری غذایی در هر زیرمنطقه

زیرمنطقه	کشورها	نقش غالب در تجارت غذا با ایران
شرقی	افغانستان و پاکستان	مقاصد صادراتی با روند رو به رشد
غربی و قفقاز	عراق، ترکیه، ارمنستان و آذربایجان	عراق مهم‌ترین مقصد صادراتی و ترکیه مهم‌ترین مبدأ واردات محصولات غذایی فرآوری‌شده، مواد اولیه صنایع غذایی و یکی از مسیرهای اصلی ترانزیت منطقه‌ای ایران
خلیج فارس و دریای عمان	کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر، امارت و عمان	امارات کانون تجاری دوطرفه و عمان بازاری با ظرفیت صادراتی توسعه‌نیافته
دریای خزر	روسیه، قزاقستان و ترکمنستان	روسیه مهم‌ترین تأمین‌کننده غلات، نهاده‌های اساسی کشاورزی و کالاهای راهبردی غذایی ایران در منطقه خزر

۳-۲- دامنه کالایی مورد مطالعه

دامنه کالایی این گزارش تمامی فصل‌های ۱ تا ۲۴ نظام هماهنگ‌شده طبقه‌بندی کالا^۷ (HS) را شامل می‌شود؛ بنابراین، کلیه محصولات کشاورزی، دامی، شیلاتی و صنایع غذایی، اعم از خام یا فرآوری‌شده، در تحلیل‌های این پژوهش لحاظ شده‌اند.

۴-۲- دوره زمانی و منطق دوره‌بندی تحلیلی

تحلیل حاضر دوره ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ را پوشش می‌دهد. تحلیل روندهای ۱۳۹۵ تا پایان ۱۴۰۳ بر پایه آمار سالانه، وضعیت سال ۱۴۰۴ بر اساس آخرین داده‌های رسمی در دسترس و تحولات ماه‌های پایانی ۱۴۰۴ و نخستین ماه‌های ۱۴۰۵ بر پایه شواهد و رخدادها ناشی از بحران ژئوپلیتیکی اخیر ارائه شده است. از این رو، اگرچه ماهیت داده‌ها در بخش پایانی با دوره‌های قبل متفاوت است، دامنه زمانی تحلیل کل دوره ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۵ را دربر می‌گیرد. با توجه به اثرگذاری تحولات سیاسی، تحریمی و ژئوپلیتیکی بر تجارت خارجی ایران، این بازه زمانی به چهار دوره تحلیلی تقسیم شده است تا تغییرات ساختاری تجارت منطقه‌ای با دقت بیشتری قابل ارزیابی باشد (جدول ۲).

⁷ Harmonized System

جدول ۲- چهار دوره تحلیلی تجارت محصولات کشاورزی و غذایی ایران با کشورهای همسایه

بازه زمانی	دوره	ویژگی ساختاری غالب
۱۳۹۵-۱۳۹۶	پیش از خروج ایالات متحده از برجام	ثبات نسبی و رشد تدریجی منطقه‌ای
۱۳۹۷-۱۳۹۹	تشدید تحریم‌ها	افزایش وابستگی به کانال‌های منطقه‌ای جایگزین
۱۴۰۰-۱۴۰۳	شکل‌گیری کسری ساختاری	تعمیق روابط تجارت با عراق، افغانستان و پاکستان و تغییر تراز تجاری
از ۹ اسفند ۱۴۰۴ تا پایان دوره مورد بررسی	بحران ژئوپولیتیک	اختلال در تجارت منطقه‌ای، به‌ویژه تجارت با امارات در پی بحران ژئوپلیتیکی

دوره‌های زمانی این چهار دوره بر پایه نقاط عطف مستندی تعیین شده‌اند که اثر مستقیم و قابل ردیابی بر تجارت خارجی ایران داشته‌اند. خروج ایالات متحده از برجام در اردیبهشت ۱۳۹۷ و بازگشت تحریم‌های یک‌جانبه، نقطه آغاز دوره دوم محسوب می‌شود؛ رخدادی که به نوسان محسوس تجارت ایران با برخی شرکای منطقه‌ای انجامید؛ هرچند شدت این نوسانات در میان کشورها یکسان نبود و بیشترین اثر در تجارت با امارات متحده عربی مشاهده شد. به‌گونه‌ای که صادرات ایران به امارات از ۷.۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۵ به ۵.۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷ کاهش یافت (Zweiri and Abusharar, 2022). آغاز دوره سوم با گسترش تجارت منطقه‌ای ایران، از جمله ثبت رکورد ۳.۳ میلیارد دلاری تجارت ایران و روسیه و رشد مستمر صادرات به عراق و افغانستان، هم‌زمان بوده است (Trading Economics/UN Comtrade). دوره چهارم نیز از نهم اسفند ۱۴۰۴، هم‌زمان با آغاز درگیری مستقیم نظامی اسرائیل و ایالات متحده با ایران، آغاز می‌شود؛ بحرانی که با ایجاد اختلال در تردد تنگه هرمز، تجارت ایران با امارات و برخی مسیرهای منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داد.

۲-۵- شاخص‌های مورد استفاده در تحلیل

تحلیل‌های این گزارش بر مجموعه‌ای از شاخص‌های مکمل استوار است تا جایگاه منطقه‌ای ایران صرفاً بر پایه ارزش صادرات ارزیابی نشود. مهم‌ترین شاخص‌های مورد استفاده شامل ارزش صادرات، ارزش واردات، تراز تجاری، سهم کشورهای همسایه از تجارت محصولات کشاورزی و غذایی ایران، نرخ رشد تجارت، تغییرات ساختار جغرافیایی مبادلات و نسبت صادرات به واردات در روابط دوجانبه است. استفاده هم‌زمان از این شاخص‌ها امکان ارزیابی جامع‌تری از تحول جایگاه ایران در تجارت منطقه‌ای غذا را فراهم می‌کند.

۲-۶- سطوح تحلیل و نحوه تجمیع داده‌ها

داده‌های این پژوهش برای هر دو جهت تجارت، یعنی صادرات و واردات، در دو سطح تجمیع شده‌اند. در سطح نخست، ارزش سالانه تجارت هر کشور در کل دوره مطالعه بررسی شده است. در سطح دوم، تجارت بر حسب گروه‌های کالایی منتخب در سال‌های شاخص هر دوره تحلیل شده تا تغییرات ساختاری تجارت محصولات کشاورزی و غذایی با دقت بیشتری قابل تبیین باشد.

۲-۷- محدودیت‌های پژوهش

نتایج این پژوهش باید با در نظر گرفتن سه محدودیت تفسیر شوند. نخست، تفاوت، تناقض و حتی تضاد موجود بین آمارهای منتشر شده از سوی ایران و برخی شرکای تجاری؛ نمونه بارز آن تجارت ایران و پاکستان است که می‌تواند ناشی از تجارت ترانزیتی، تجارت غیررسمی یا تفاوت در زمان ثبت اطلاعات گمرکی باشد. دوم، داده‌های مربوط به شواهد اولیه دوره بحران ژئوپلیتیکی ۱۴۰۴-۰۵ به دلیل تداوم تحولات منطقه و نهایی‌نشدن آمارهای رسمی، ماهیتی موقت دارند. سوم، بخشی از تجارت ثبت‌شده، به‌ویژه در مورد امارات، شامل کالاهای ترانزیتی یا صادرات مجدد است؛ از این رو، ارقام تجارت دوجانبه این کشور لزوماً بیانگر حجم واقعی تجارت مستقیم محصولات کشاورزی و غذایی میان دو کشور نیست.

۳. جایگاه ایران در تجارت منطقه‌ای غذا: روند تحولات (۱۳۹۵-۱۴۰۴)

۳-۱- دوره برتری صادراتی (۱۳۹۵-۱۳۹۶)

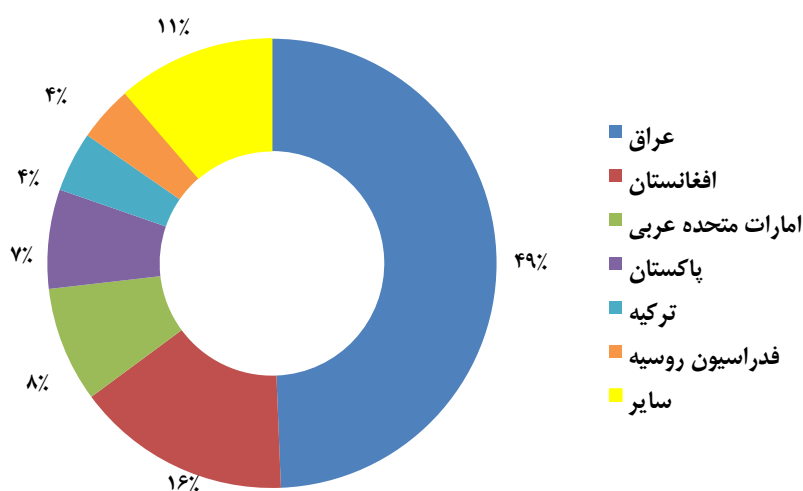
داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۶، ایران از مازاد تجاری و جایگاه برتر صادراتی در تجارت منطقه‌ای محصولات کشاورزی و غذایی برخوردار بود. عراق با داشتن سهم ۴۹.۴ درصدی از کل صادرات کشاورزی و غذایی ایران به کشورهای N15، مهم‌ترین بازار منطقه‌ای کشور محسوب می‌شد و افغانستان نیز با سهم ۱۵.۵ درصدی در رتبه دوم قرار داشت (نمودار ۱). در این دوره، عراق و افغانستان در مجموع بیشترین سهم صادرات منطقه‌ای محصولات کشاورزی و غذایی ایران را به خود اختصاص داده بودند، در مقابل، در سمت واردات، الگوی متفاوتی مشاهده می‌شود. امارات با سهم ۴۷.۶ درصد، ترکیه با ۱۸.۴ درصد و پاکستان با ۱۶ درصد، در مجموع بیش از ۸۰ درصد واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران از کشورهای همسایه را تأمین می‌کردند (نمودار ۱). این تفاوت در ترکیب جغرافیایی صادرات و واردات، مبنای تحلیل ساختار تجارت منطقه‌ای در این دوره است. در نتیجه، شبکه وارداتی ایران تقریباً مستقل از شبکه صادراتی آن شکل گرفته بود.

این الگوی متفاوت نشان می‌دهد که حتی در دوره‌ای که ایران از مازاد تجاری قابل توجهی در تجارت منطقه‌ای برخوردار بوده، واردات همچنان بخش مهمی از تجارت غذایی کشور را تشکیل می‌داد. بنابراین، برتری تجاری این دوره حاصل پیشی گرفتن ارزش صادرات از واردات و شکل‌گیری مازاد تجاری منطقه‌ای بوده، نه محدود بودن واردات.؛ وضعیتی که در این گزارش از آن با عنوان «دوره برتری صادراتی» یاد می‌شود. این تمرکز جغرافیایی صادرات ایران بر بازارهای عراق و افغانستان و در مقابل، تمرکز واردات بر امارات متحده عربی، ترکیه و پاکستان، نشان می‌دهد که ایران در سال ۱۳۹۶، ارزش صادرات محصولات کشاورزی و غذایی ایران به کشورهای همسایه بیش از دو برابر ارزش واردات از این کشورها بود. این یافته با نتایج مطالعات تطبیقی منطقه نیز همخوانی دارد.

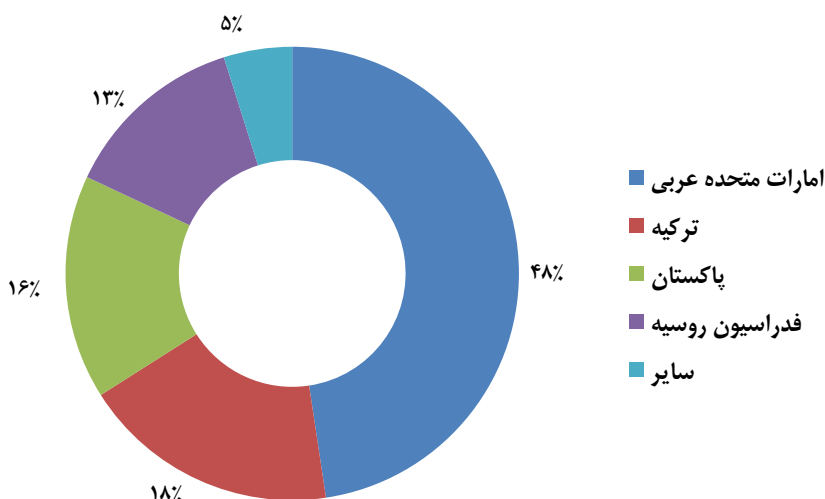
پژوهش (Ghalibaf et al. (2022)، بر پایه شاخص‌های رسمی فائو، نشان می‌دهد که ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای همسایه، از نظر نسبت ارزش واردات غذا به کل صادرات کالایی، در موقعیت مطلوب‌تری قرار داشته است؛ نتیجه‌ای که با مازاد تجاری منطقه‌ای و جایگاه برتر صادراتی ایران در بازارهای عراق و افغانستان در این دوره سازگار است.

با این حال، همان پژوهش نشان می‌دهد که این برتری تجاری بر بستری از برخی آسیب‌پذیری‌های ساختاری بخش کشاورزی شکل گرفته بود. از جمله این آسیب‌پذیری‌ها، سهم پایین اراضی مجهز به سامانه‌های آبیاری کنترل‌شده^۸ در مقایسه با کشورهای مانند عراق و پاکستان است. اگرچه این محدودیت در سال ۱۳۹۶ هنوز تأثیر محسوسی بر تراز تجاری منطقه‌ای ایران نداشت، اما در سال‌های بعد، هم‌زمان با تشدید محدودیت منابع آب و کاهش ظرفیت تولید، به یکی از عوامل مؤثر بر تضعیف تدریجی جایگاه منطقه‌ای ایران تبدیل شد.

صادرات



واردات



نمودار ۱- سهم کشورهای همسایه از صادرات و واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران (N15) در سال ۱۳۹۶ (منبع: داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران و محاسبات تحقیق)

^۸ Equipped Irrigated Area



۳-۲- آغاز واگرایی صادرات و واردات (۱۳۹۷-۱۳۹۹)

برداشت رایج آن است که بازگشت تحریم‌های ایالات متحده، صادرات محصولات کشاورزی و غذایی ایران به کشورهای همسایه را به شدت کاهش داده است. با این حال، داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران تنها بخشی از این روایت را تأیید می‌کند. ارزش صادرات محصولات کشاورزی و غذایی ایران به کشورهای N15، با وجود بازگشت تحریم‌ها و سپس همه‌گیری کووید-۱۹، در محدوده نسبتاً باثبات ۴.۵ تا ۵.۲ میلیارد دلار باقی ماند. آنچه مسیر تجارت منطقه‌ای ایران را تغییر داد، نه کاهش صادرات، بلکه رشد سریع واردات بود.

ارزش واردات محصولات کشاورزی و غذایی از کشورهای همسایه از ۲.۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷ به ۴.۹۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ افزایش یافت؛ رشدی که برای نخستین بار در سال ۱۳۹۸ تراز تجاری منطقه‌ای ایران را وارد محدوده منفی کرد. از این مقطع، شکاف میان روند صادرات و واردات به تدریج افزایش یافت و نشانه‌های تغییر ساختاری در تجارت منطقه‌ای کشور آشکار شد.

شواهد موجود نشان می‌دهد که بخش عمده این افزایش از مسیر امارات متحده عربی صورت گرفته است. گزارش‌های دوره‌ای سرویس کشاورزی خارجی وزارت کشاورزی ایالات متحده^۹ (USDA-FAS) نشان می‌دهد که در این دوره، بخش قابل توجهی از تجارت غذایی ایران از طریق شبکه سنتی لنج‌ها و بازرگانان ایرانی مستقر در امارات انجام می‌شد. در این سازوکار، کالاهایی با منشأ کشورهای ثالث از جمله برنج باسماتی هند پس از ورود به امارات، با استفاده از شبکه‌های تجاری موجود و تسویه مالی مبتنی بر درهم، به ایران منتقل می‌شدند (USDA-FAS, 2024). از این رو، افزایش واردات ثبت شده از امارات را نباید صرفاً به افزایش تولید یا صادرات این کشور نسبت داد؛ بلکه بخش مهمی از این تجارت، بازتاب نقش امارات به عنوان کانون ترانزیت و صادرات مجدد کالاهای غذایی به ایران بوده است.

این تغییر ترکیب تأمین‌کنندگان تا سال ۱۳۹۹ به روشنی در آمار قابل مشاهده است (نمودار ۲). در سمت صادرات، عراق با سهم ۳۸.۹ درصد و افغانستان با ۱۶.۳ درصد، همچنان دو بازار اصلی ایران در میان کشورهای N15 باقی ماندند؛ هرچند سهم تجمعی این دو کشور نسبت به سال ۱۳۹۶ به حدود ۵۵ درصد کاهش یافته بود. در سمت واردات، تغییر محسوس‌تری رخ داد. ترکیه با سهم ۳۹.۷ درصد برای نخستین بار به بزرگ‌ترین تأمین‌کننده منطقه‌ای ایران تبدیل شد و امارات با ۳۶.۳ درصد در رتبه دوم قرار گرفت. فدراسیون روسیه نیز با سهم ۱۵.۶ درصد، جایگاه قابل توجهی در سبد وارداتی ایران کسب کرد. این آرایش جدید، زمینه‌ساز نقشی بود که ترکیه و امارات در سال‌های بعد در تأمین نهاده‌های اساسی کشور ایفا کردند. این تحول را می‌توان در چارچوب گسترده‌تر سازوکارهای سازگاری اقتصاد ایران با تحریم‌ها نیز تفسیر کرد. Kalb (۲۰۲۴) ، با طرح مفهوم «تاب‌آوری بسیج شده»^{۱۰} استدلال می‌کند که تداوم فعالیت‌های اقتصادی ایران در شرایط تحریم، بیش از آنکه بر ظرفیت‌های نهادی از پیش موجود متکی باشد، حاصل شکل‌گیری سازوکارهای جدید و بسیج فعال بازیگران اقتصادی است. توسعه شبکه‌های تجاری و ترانزیتی در امارات را نیز می‌توان در همین چارچوب تحلیل کرد؛ ظرفیتی که

^۹ United States Department of Agriculture-Foreign Agricultural Service

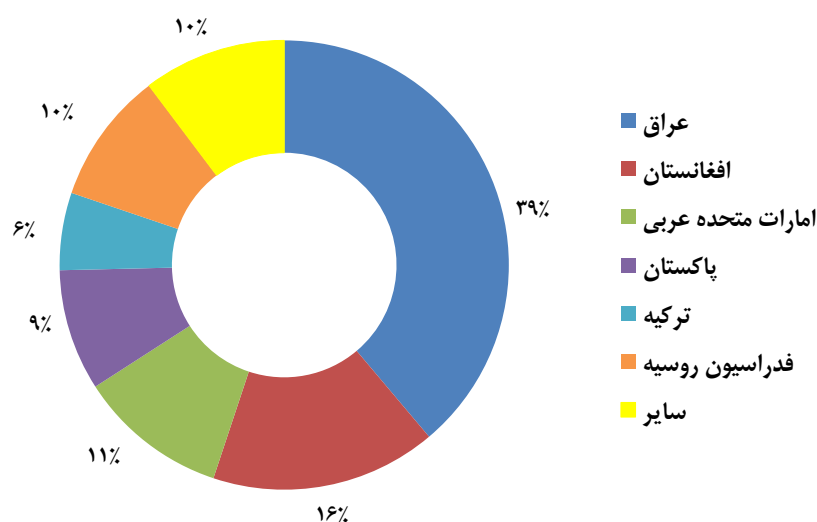
^{۱۰} تاب‌آوری بسیج شده (Mobilized Resilience) به معنی ترکیب فعال سیاست دولتی و بسیج نیروی کار و بخش خصوصی، با چارچوب‌بندی تحریم به عنوان تهدیدی ملی است.



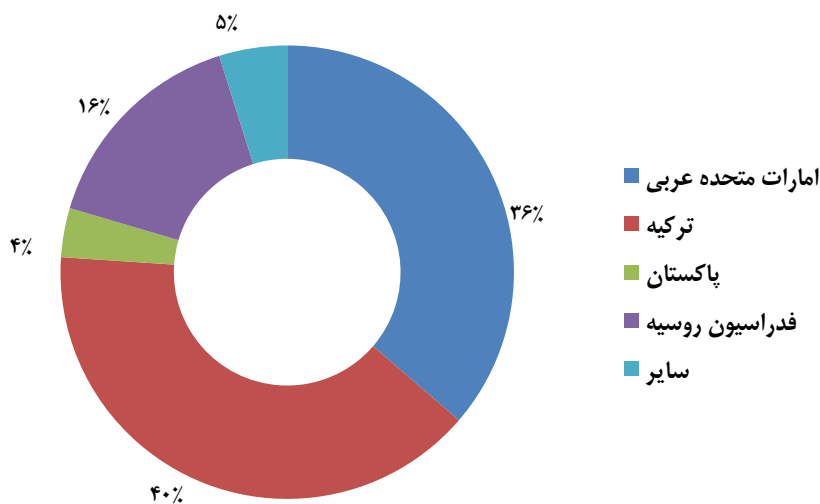
امکان حفظ جریان واردات کالاهای اساسی را در شرایط تحریم فراهم ساخت، اما پایداری آن به استمرار شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم وابسته بود و در برابر تغییرات محیطی، از آسیب‌پذیری قابل توجهی برخوردار است.

بر این اساس، سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ را می‌توان دوره آغاز واگرایی صادرات و واردات در تجارت منطقه‌ای ایران دانست. در این دوره، صادرات همچنان ثبات نسبی خود را حفظ کرد، اما رشد سریع واردات موجب شد مزیت تجاری سال‌های پیشین به تدریج تضعیف شود و زمینه برای شکل‌گیری کسری تجاری ساختاری در سال‌های بعد فراهم آید.

صادرات



واردات



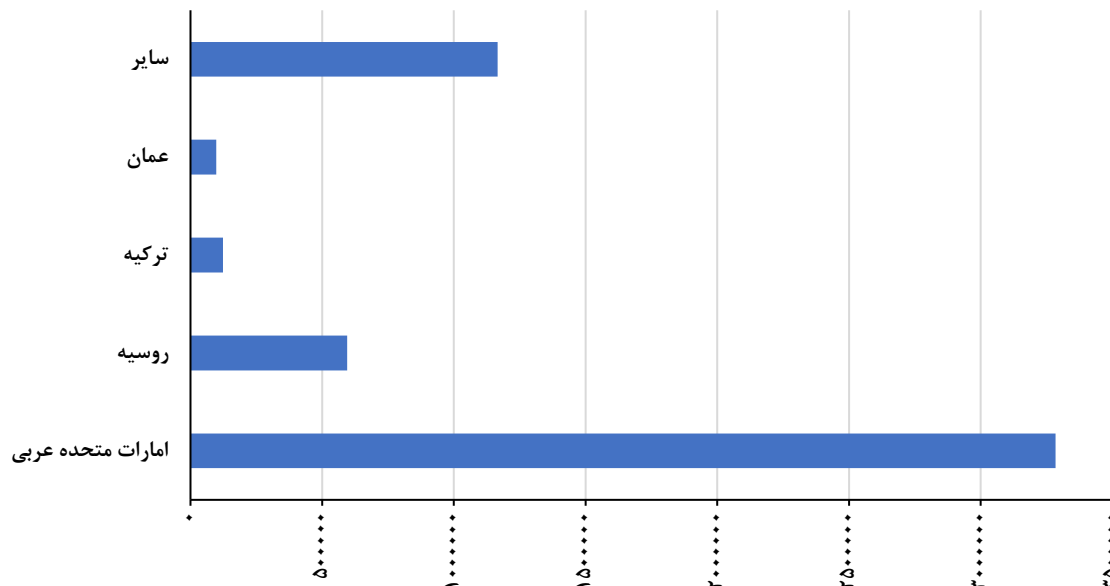
نمودار ۲- سهم کشورهای همسایه از صادرات و واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران (N15) در سال ۱۳۹۹
(منبع: داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران و محاسبات تحقیق)

۳-۳- شکل گیری کسری تجاری ساختاری (۱۴۰۰-۱۴۰۳)

سال ۱۴۰۰ را می‌توان نقطه عطف تجارت منطقه‌ای محصولات کشاورزی و غذایی ایران دانست؛ سالی که در آن مازاد تجاری سال‌های گذشته جای خود را به کسری تجاری ساختاری داد. در این سال، ارزش واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران از کشورهای N15 تنها طی یک سال از ۴۶۵ میلیارد دلار به ۹۰۹۲ میلیارد دلار افزایش یافت؛ جهشی بیش از دو برابر که مسیر تجارت منطقه‌ای ایران را وارد مرحله‌ای جدید کرد (نمودار ۳).

یکی از عوامل مؤثر در این افزایش، خشکسالی شدید سال ۱۴۰۰ و کاهش تولید داخلی غلات بود. برآوردها از کسری نزدیک به هفت میلیون تن گندم حکایت داشت؛ شرایطی که ایران را ناگزیر به واردات حدود چهار میلیون تن گندم، عمدتاً از روسیه، کرد (Trading Economics/UN Comtrade). داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران نیز این روند را تأیید می‌کند؛ به‌گونه‌ای که ارزش واردات محصولات کشاورزی و غذایی از روسیه از ۷۲۵ میلیون دلار در سال ۱۳۹۹ به ۱۰۳۲ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۰ افزایش یافت. با این حال، این افزایش تنها حدود ۱۱ درصد از جهش پنج میلیارد دلاری واردات همان سال را توضیح می‌دهد و به‌تنهایی نمی‌تواند علت تغییر ساختار تجارت منطقه‌ای ایران باشد.

عامل اصلی این تحول، افزایش چشمگیر واردات از امارات متحده عربی بود. ارزش واردات از این کشور از ۱۶۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ به ۴۰۹۷ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۰ رسید؛ افزایشی که به‌تنهایی حدود ۶۲ درصد از رشد کل واردات آن سال را به خود اختصاص داد. این روند نشان می‌دهد که نقطه چرخش تجارت غذایی ایران بیش از هر عامل دیگری با تقویت نقش امارات در شبکه تأمین کالاهای کشاورزی و غذایی کشور ارتباط داشته است.

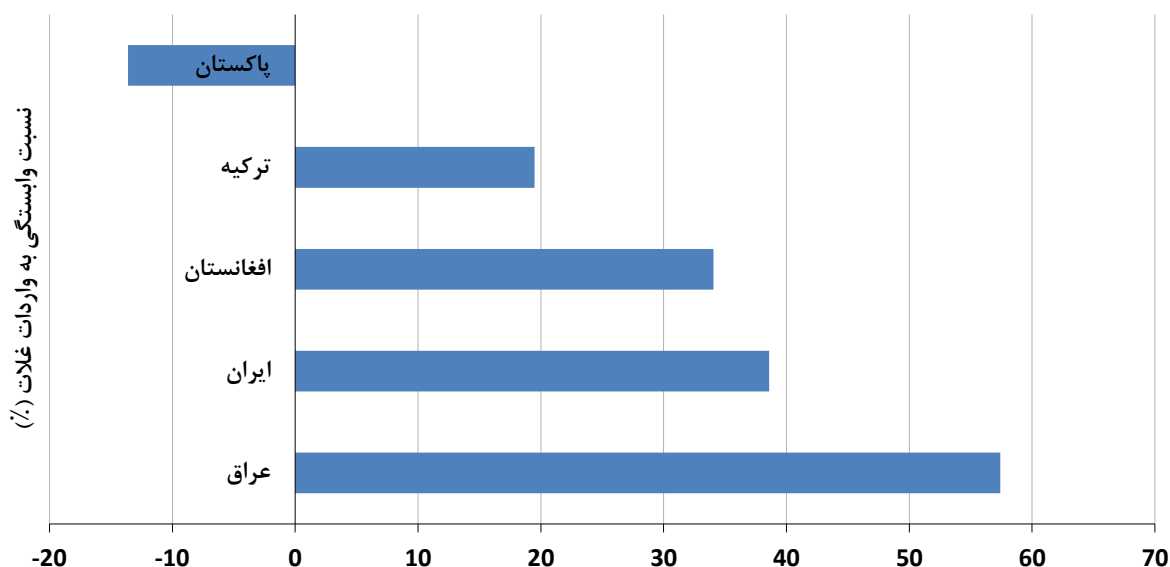


نمودار ۳- سهم کشورهای همسایه در جهش پنج میلیارد دلاری واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران در سال

۱۴۰۰ - واحد: هزار دلار (منبع: داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران و محاسبات تحقیق)

در مقایسه با سال ۱۳۹۶ که بخش قابل توجهی از واردات منطقه‌ای ایران را محصولات مصرفی و کالاهای متنوع کشاورزی تشکیل می‌داد، در سال ۱۴۰۳ وزن اصلی واردات به سمت غلات، دانه‌های روغنی، روغن خام و خوراک دام تغییر یافت. در سال ۱۴۰۳، غلات با حدود ۳.۵ میلیارد دلار، چربی‌ها و روغن‌های خام با ۱.۴۴ میلیارد دلار، دانه‌های روغنی با ۱.۱۸ میلیارد دلار و خوراک دام با بیش از یک میلیارد دلار، مهم‌ترین اقلام وارداتی ایران از کشورهای N15 بودند. بنابراین، رشد واردات بیش از آنکه ناشی از افزایش ورود کالاهای مصرفی نهایی باشد، بیانگر وابستگی فزاینده کشور به واردات نهاده‌های راهبردی تولید در بخش کشاورزی و صنایع غذایی است.

برای ارزیابی این وابستگی در سطح منطقه، از شاخص «نسبت وابستگی به واردات غلات»^{۱۱} سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد^{۱۲} (FAO) استفاده شد. به منظور انطباق این شاخص با دوره زمانی مورد بررسی (۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴)، مقادیر ارائه شده بر پایه میانگین شاخص در سال ۲۰۱۶ و میانگین شاخص در دوره ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ محاسبه شده است. بر این اساس، عراق با ۵۷.۴ درصد وابستگی، بالاترین نسبت وابستگی به واردات غلات را در میان کشورهای مورد بررسی دارد. ایران با ۳۸.۶ درصد در رتبه بعد قرار می‌گیرد و پس از آن افغانستان با ۳۴.۰ درصد و ترکیه با ۱۹.۵ درصد قرار دارند. پاکستان نیز با ثبت نسبت منفی ۱۳.۶ درصد، همچنان صادرکننده خالص غلات محسوب می‌شود. این مقایسه نشان می‌دهد که ایران، اگرچه نسبت به عراق وابستگی کمتری به واردات غلات دارد، اما همچنان در مقایسه با برخی کشورهای همسایه، از جمله ترکیه و پاکستان، وابستگی قابل توجهی به واردات این کالای راهبردی دارد (نمودار ۴).



نمودار ۴- نسبت وابستگی ایران و کشورهای همسایه به واردات غلات - میانگین سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۳

(منبع: FAO., 2018; FAO., 2025)

^{۱۱} Cereal Import Dependency Ratio

^{۱۲} Food and Agriculture Organization

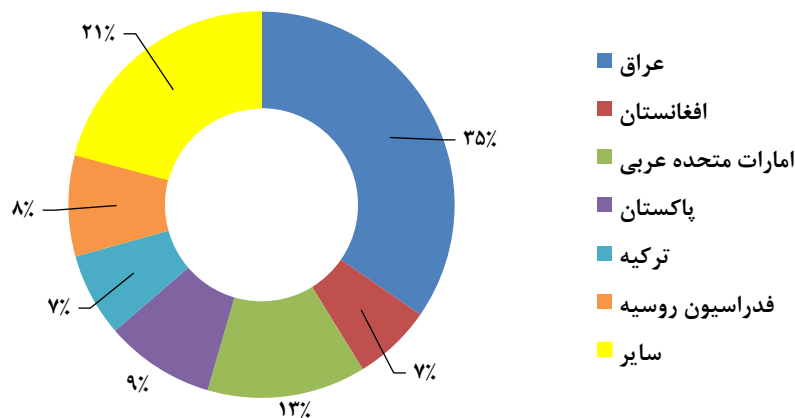
^{۱۳} مقادیر نمودار حاصل میانگین‌گیری از مقدار شاخص در سال ۲۰۱۶ (FAO, 2018) و میانگین دوره ۲۰۲۱-۲۰۲۳ (FAO, 2025) به منظور ارائه شاخصی نماینده برای دوره ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ است.

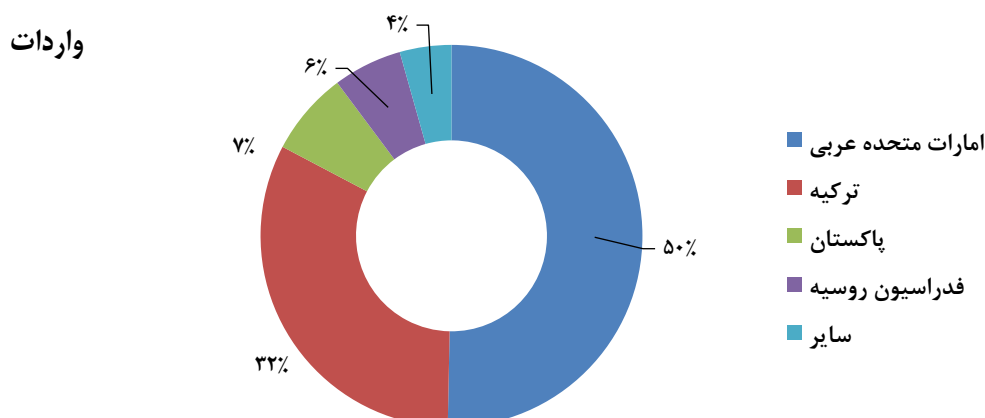


در سمت صادرات نیز تغییرات قابل توجهی مشاهده می‌شود. سهم افغانستان از صادرات محصولات کشاورزی و غذایی ایران از ۱۵.۵ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۷.۲ درصد در سال ۱۴۰۳ کاهش یافت. این روند در نگاه نخست با برخی گزارش‌های بین‌المللی که از افزایش صادرات ایران به افغانستان سخن گفته‌اند، ناسازگار به نظر می‌رسد؛ اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که این تفاوت، بیش از آنکه ناشی از اختلاف در واقعیت تجاری باشد، به تفاوت منابع آماری و نحوه ثبت تجارت بازمی‌گردد. داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران و داده‌های آینه‌ای افغانستان، هر دو افزایش ارزش صادرات ایران را تأیید می‌کنند، اما رشد سریع‌تر صادرات ایران به سایر بازارهای منطقه موجب کاهش سهم نسبی افغانستان در سبد صادراتی کشور شده است. افزون بر این، تفاوت در ثبت کالاهای ترانزیتی نیز بخشی از این اختلاف را توضیح می‌دهد.

ترکیب جغرافیایی تجارت در سال ۱۴۰۳ این روند را تکمیل می‌کند. در سمت صادرات، عراق با سهم ۳۴.۶ درصد همچنان در جایگاه نخست قرار داشت، اما این سهم نسبت به ۱۳۹۶ (۴۹.۴ درصد) کاهش محسوسی یافته بود. سهم امارات از صادرات ایران به ۱۳.۳ درصد رسید و از پاکستان (۹.۲ درصد) پیشی گرفت. روندی که نقش دوگانه امارات، هم‌زمان به‌عنوان بازار صادراتی و منبع وارداتی، را برجسته می‌کند. افزایش سهم «سایر کشورها» به ۲۰.۸ درصد نیز از تنوع نسبی بیشتر مقاصد صادراتی نسبت به سال‌های ابتدایی دوره حکایت دارد. در سمت واردات اما تصویر متفاوتی دیده می‌شود؛ امارات با سهم ۵۰.۳ درصد و ترکیه با ۳۲.۴ درصد، در مجموع بیش از ۸۲ درصد واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران از کشورهای همسایه را تأمین می‌کردند. این ترکیب، در مقایسه با سال ۱۳۹۶ که تمرکز واردات میان سه کشور توزیع‌شده‌تر بود (نمودار ۵)، از تشدید قابل توجه تمرکز جغرافیایی در سمت واردات حکایت دارد.

صادرات





نمودار ۵- سهم کشورهای همسایه از صادرات و واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران (N15) در سال ۱۴۰۳
(منبع: داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران و محاسبات تحقیق)

تحولات تجاری این دوره با شواهد موجود درباره امنیت غذایی کشور نیز همسو است. مطالعه مبتنی بر تحلیل سری زمانی منقطع نشان می‌دهد که بازگشت تحریم‌ها از سال ۱۳۹۷، هم‌زمان با افزایش ناامنی غذایی خانوارها بوده است. به گونه‌ای که سهم خانوارهای ناامن غذایی طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹، از ۸.۸ درصد به ۱۱.۲ درصد در مناطق شهری و از ۲۵.۲ درصد به ۲۹.۲ درصد در مناطق روستایی افزایش یافته است (Hejazi and Emamgholipour, 2022).
بر این اساس، جهش واردات در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ را نمی‌توان یک تغییر مقطعی تلقی کرد؛ بلکه این دوره مرحله تثبیت و تعمیق روندی بود که از زمان بازگشت تحریم‌ها آغاز شده و به تدریج ساختار تجارت منطقه‌ای ایران را دگرگون کرده است.

۳-۴- تداوم روندها در آستانه بحران؛ شواهد ده‌ماهه نخست سال ۱۴۰۴

داده‌های ده‌ماهه نخست سال ۱۴۰۴، اگرچه هنوز کل سال را پوشش نمی‌دهد، تصویری روشن از وضعیت تجارت محصولات کشاورزی و غذایی ایران در آستانه بحران ژئوپلیتیکی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ ارائه می‌کند. تمامی این داده‌ها پیش از مرحله تشدید بحران در اسفندماه ۱۴۰۴ ثبت شده‌اند؛ با این حال، بخشی از آن‌ها از نظر زمانی پس از وقوع جنگ ۱۲ روزه (۲۳ خرداد تا ۳ تیر ۱۴۰۴) قرار می‌گیرند و بنابراین ممکن است بازتاب‌دهنده برخی آثار اولیه این رخداد نیز باشند. از این رو، این داده‌ها بیش از آنکه پیامدهای کامل بحران ژئوپلیتیکی را نشان دهند، وضعیت ساختاری تجارت ایران در آستانه ورود به مرحله تشدید بحران را منعکس می‌کنند.

بررسی روندهای تجاری نشان می‌دهد الگوی شکل گرفته در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳، یعنی تداوم رشد واردات همراه با تضعیف نسبی عملکرد صادرات، در سال ۱۴۰۴ نیز ادامه یافته است. میانگین ماهانه صادرات محصولات کشاورزی و غذایی ایران نسبت به میانگین سال ۱۴۰۳ حدود ۷.۹ درصد کاهش یافته و از ۵۴۴ میلیون دلار به ۵۰۱ میلیون دلار رسیده است. در مقابل، میانگین ماهانه واردات با رشد ۱۲.۷ درصدی، از ۸۴۰ میلیون دلار به ۹۴۶ میلیون دلار افزایش یافته است.



صورت تداوم این روند تا پایان سال، برآورد می‌شود کسری تجاری ایران با کشورهای N15 به حدود ۵.۳ میلیارد دلار برسد؛ رقمی که پس از بهبود نسبی سال ۱۴۰۳، بار دیگر کشور را به سطح کسری سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ بازمی‌گرداند. ترکیب جغرافیایی واردات نیز از تداوم وابستگی ساختاری به تعداد محدودی از شرکای تجاری حکایت دارد. طی ده‌ماهه نخست سال ۱۴۰۴، امارات و ترکیه به‌ترتیب با ۴.۲۲ و ۳.۱۱ میلیارد دلار صادرات به ایران، بیش از ۷۵ درصد واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران از کشورهای همسایه را تأمین کرده‌اند؛ سهمی که حتی از میانگین سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ نیز فراتر رفته است. این روند نشان می‌دهد تمرکز واردات نه تنها کاهش نیافته، بلکه در آستانه بحران ژئوپلیتیکی نیز تشدید شده است.

وابستگی ساختاری مشاهده‌شده در تجارت منطقه‌ای، صرفاً به روابط ایران با کشورهای همسایه محدود نمی‌شود، بلکه در الگوی تأمین جهانی نهاده‌های اساسی نیز قابل مشاهده است. برای نمونه، ایران در ده‌ماهه نخست سال ۱۴۰۴ با واردات حدود ۹.۱ میلیون تن ذرت، بزرگ‌ترین مقصد صادرات ذرت برزیل بود و حدود ۲۲ تا ۲۴ درصد از کل صادرات این محصول را به خود اختصاص داد (Trading Economics/UN Comtrade). این شواهد نشان می‌دهد که وابستگی ایران به واردات نهاده‌های راهبردی، علاوه بر تمرکز جغرافیایی در سطح منطقه، در مقیاس جهانی نیز استمرار یافته است. از این منظر، کسری تجاری ایران با کشورهای همسایه را نباید صرفاً یک پدیده منطقه‌ای تلقی کرد، بلکه باید آن را بخشی از وابستگی گسترده‌تر کشور به بازارهای جهانی برای تأمین نهاده‌های اساسی تولید کشاورزی و غذایی دانست.

در نتیجه، هرگونه اختلالی که بحران ژئوپلیتیکی ۰۵-۱۴۰۴ در ماه‌های پایانی سال بر تجارت غذایی ایران وارد کرده باشد، بر ساختاری اعمال شده، که پیش از وقوع بحران نیز وابستگی بالایی به دو مسیر اصلی تأمین، یعنی امارات و ترکیه، داشته است. همین موضوع، ارزیابی میزان تاب‌آوری این ساختار را به یکی از پرسش‌های اصلی فصل پایانی گزارش تبدیل می‌کند.

۳-۵- گذار از برتری صادراتی به عدم تعادل ساختاری

مرور روند ده‌ساله تجارت محصولات کشاورزی و غذایی ایران با کشورهای همسایه، از تغییر تدریجی اما عمیق در ساختار تجارت منطقه‌ای کشور حکایت دارد. ایران که در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ از موقعیت یک صادرکننده غالب و برخوردار از مازاد تجاری در بازار همسایگان بهره‌مند بود، پس از یک دوره گذار در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹، از سال ۱۴۰۰ وارد مرحله‌ای شد که ویژگی اصلی آن شکل‌گیری کسری تجاری ساختاری است. البته بخشی از این تحول را باید در پرتو تغییر مسیرهای تجاری ناشی از تحریم‌ها و افزایش نقش صادرات مجدد، به‌ویژه از طریق امارات متحده عربی، نیز تفسیر کرد. با این حال، حتی با در نظر گرفتن این تغییر در مسیرهای تأمین، داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران همچنان از افزایش پایدار ارزش واردات، تمرکز بیشتر بر تعداد محدودی از تأمین‌کنندگان و تغییر تراز تجاری منطقه‌ای از مازاد به کسری حکایت دارد. بنابراین، یافته‌های این گزارش ناظر بر تغییر در ساختار تجارت منطقه‌ای است، نه صرفاً تغییر در مسیر جغرافیایی مبادلات. داده‌های ده‌ماهه نخست سال ۱۴۰۴ نیز نشان می‌دهد این روند، حتی پیش از تشدید بحران ژئوپلیتیکی منطقه، همچنان ادامه داشته است.



بررسی داده‌های تجارت خارجی نشان می‌دهد حتی با در نظر گرفتن تغییر مسیر بخشی از مبادلات ناشی از صادرات مجدد، این تحول بیش از آنکه ناشی از کاهش صادرات باشد، نتیجه رشد شتابان واردات است. صادرات محصولات کشاورزی و غذایی ایران به کشورهای همسایه طی این دوره، با وجود نوسانات سالانه، در مجموع از ثبات نسبی برخوردار بوده است؛ در مقابل، واردات با آهنگی به مراتب سریع‌تر افزایش یافته و به تدریج تراز تجاری منطقه‌ای ایران را از مازاد به کسری ساختاری سوق داده است. از این رو، تغییر جایگاه منطقه‌ای ایران را باید بیش از هر چیز در سمت واردات و تحول ساختار تأمین کالاهای اساسی جست‌وجو کرد، نه در کاهش ظرفیت صادراتی کشور.

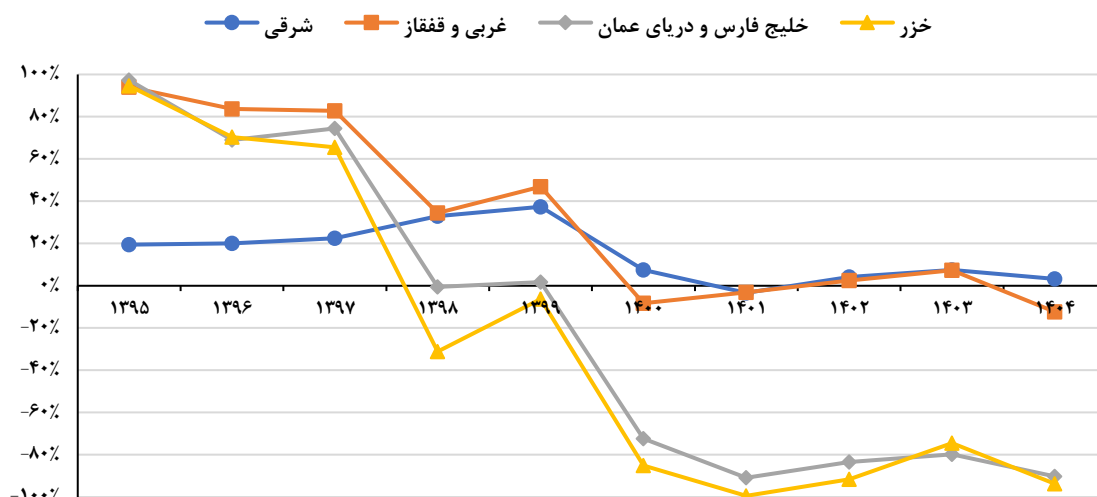
ویژگی مهم دیگر این تحول، تمرکز فزاینده تجارت در تعداد محدودی از شرکای منطقه‌ای است. در سمت صادرات، عراق و افغانستان همچنان مهم‌ترین بازارهای محصولات کشاورزی و غذایی ایران باقی مانده‌اند، در حالی که در سمت واردات، وابستگی به امارات و ترکیه به شکل محسوسی افزایش یافته است. در نتیجه، تجارت منطقه‌ای ایران به الگویی نامتقارن رسیده است؛ الگویی که در آن تمرکز صادرات بر چند بازار محدود، هم‌زمان با تمرکز واردات بر تعداد اندکی از تأمین‌کنندگان، آسیب‌پذیری ساختار تجارت منطقه‌ای کشور را افزایش داده است.

یافته‌های موجود، در کنار شواهد حاصل از مطالعات تطبیقی منطقه، پژوهش‌های مرتبط با تاب‌آوری اقتصاد ایران، تحلیل‌های تجارت کشاورزی و مطالعات امنیت غذایی، همگی بر یک واقعیت مشترک تأکید دارند: تغییر جایگاه ایران در تجارت منطقه‌ای غذا، پیامد یک شوک کوتاه‌مدت یا نوسان مقطعی نیست، بلکه حاصل دگرگونی تدریجی ساختار تجارت خارجی کشور طی یک دهه گذشته است.

با وجود این تغییرات، ساختار تجارت محصولات کشاورزی و غذایی ایران طی سال‌های اخیر، علی‌رغم تحریم‌ها، نوسانات بازارهای جهانی و خشکسالی‌های پیاپی، توانسته است جریان تأمین کالاهای اساسی را حفظ کند. با این حال، این تاب‌آوری تاکنون در شرایطی آزموده نشده است که دو کانال اصلی تأمین کشور، یعنی امارات و ترکیه، به‌طور هم‌زمان با اختلال مواجه شوند. بحران ژئوپلیتیکی ۱۴۰۴-۰۵ نخستین تجربه از چنین وضعیتی به شمار می‌رود و از این رو، می‌تواند آزمونی واقعی برای سنجش میزان تاب‌آوری ساختار تجارت غذایی ایران در برابر شوک‌های هم‌زمان و شدید باشد.

۴. تحلیل جایگاه ایران در تجارت غذا

بررسی روند تجارت محصولات کشاورزی و غذایی ایران با کشورهای همسایه نشان می‌دهد که تغییر جایگاه منطقه‌ای ایران، فرآیندی یکسان در کل حلقه همسایگی نبوده است. هر یک از چهار زیرمنطقه مورد مطالعه، مسیر متفاوتی را در تحول تراز تجاری تجربه کرده‌اند و سهم آن‌ها در شکل‌گیری وضعیت کنونی تجارت غذایی ایران یکسان نیست. از این رو، تحلیل در سطح کل کشورهای N15 می‌تواند منشأ واقعی تغییرات را پنهان کند. همان‌گونه که نمودار ۶ نشان می‌دهد، کسری تجاری کنونی ایران حاصل عملکرد همه زیرمنطقه‌ها نیست، بلکه عمدتاً در یک کانون جغرافیایی متمرکز شده است.



نمودار ۶- روند تغییر تراز تجاری ایران طی سال‌های ۱۳۹۵ منتهی به ۱۰ ماه نخست ۱۴۰۴ (منبع: داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران و محاسبات تحقیق)

تفاوت تراز تجاری زیر منطقه‌های همسایگی در جدول ۳ نیز به‌روشنی قابل مشاهده است. در سال ۱۴۰۳، زیرمنطقه خلیج فارس و دریای عمان به‌تنهایی حدود ۴۰۱۵ میلیارد دلار کسری تجاری برای ایران ایجاد کرده است؛ رقمی که تقریباً معادل کل کسری تجاری ایران در تجارت محصولات کشاورزی و غذایی با کشورهای N15 است. در مقابل، سه زیرمنطقه دیگر یا همچنان مازاد تجاری خود را حفظ کرده‌اند یا نوسانات آن‌ها ماهیتی مقطعی داشته است.

جدول ۳- تراز تجاری محصولات کشاورزی و صنایع غذایی ایران به تفکیک زیرمنطقه - واحد: میلیون دلار (منبع: داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران و محاسبات تحقیق)

زیرمنطقه	۱۳۹۶	۱۳۹۹	۱۴۰۳
شرقی	+۶۷۳	+۹۵۶	+۳۵۷
غربی و قفقاز	+۲۱۲۵	+۲۴۲	-۶۰۱۳
خلیج فارس و دریای عمان	-۴۹۴	-۱۱۵۴	-۴۱۴۶
دریای خزر	+۵۱	-۲۰۶	+۲۵۲

۴-۱- زیرمنطقه شرقی؛ پایدارترین کانون مازاد تجاری ایران

در میان چهار زیرمنطقه مورد بررسی، تنها زیرمنطقه شرقی توانسته است در سراسر دوره مطالعه جایگاه خود را به‌عنوان واردکننده خالص محصولات کشاورزی و غذایی از ایران حفظ کند. افغانستان و پاکستان در تمامی مقاطع زمانی بررسی شده تراز تجاری مثبت به نفع ایران داشته است. هرچند میزان این مازاد در طول زمان نوسان داشته، اما هیچ‌گاه وارد محدوده کسری نشده است؛ ویژگی‌ای که این زیرمنطقه را از سایر بخش‌های حلقه همسایگی متمایز می‌کند.



تداوم این وضعیت، بیش از هر چیز، به ساختار مکمل تجارت دو طرف بازمی‌گردد. صادرات ایران به افغانستان و پاکستان عمدتاً شامل محصولات نهایی کشاورزی و غذایی، از جمله میوه، سبزی، لبنیات و سایر کالاهای مصرفی است، در حالی که واردات ایران از این دو کشور عمدتاً به غلات محدود شده است. در نتیجه، ایران همچنان جایگاه صادرکننده خالص را در این زیرمنطقه حفظ کرده و وابستگی وارداتی قابل توجهی به این بازارها شکل نگرفته است.

اهمیت این زیرمنطقه تنها در مثبت بودن تراز تجاری آن نیست، بلکه در ثبات نسبی این الگو طی یک دهه گذشته است. در شرایطی که سایر زیرمنطقه‌ها تحت تأثیر تحریم‌ها، خشکسالی، تغییر مسیرهای تأمین و تحولات ژئوپلیتیکی دستخوش تغییرات قابل توجه شده‌اند، تجارت ایران با افغانستان و پاکستان کم‌نوسان‌ترین بخش تجارت منطقه‌ای کشور باقی مانده است. این ویژگی، زیرمنطقه شرقی را به باثبات‌ترین بازار منطقه‌ای محصولات کشاورزی و غذایی ایران تبدیل کرده است.

۴-۲- زیر منطقه غرب و قفقاز؛ فرسایش تدریجی مزیت صادراتی

در سال ابتدایی دوره مطالعه، زیرمنطقه غرب و قفقاز مهم‌ترین منبع مازاد تجاری ایران در میان کشورهای همسایه بود. در سال ۱۳۹۶، تراز تجاری محصولات کشاورزی و غذایی ایران با این زیرمنطقه به بیش از ۲۰۱ میلیارد دلار می‌رسید و بخش عمده مازاد تجاری منطقه‌ای کشور را تشکیل می‌داد. اما این مزیت طی سال‌های بعد به تدریج کاهش یافت، به گونه‌ای که در سال ۱۴۰۳ تراز تجاری این زیرمنطقه تقریباً به نقطه تعادل رسید.

بررسی جزئیات تجارت نشان می‌دهد که این تغییر بیش از آنکه ناشی از افت صادرات ایران باشد، نتیجه رشد مستمر واردات از ترکیه است. عراق در تمام دوره مورد مطالعه جایگاه خود را به عنوان بزرگ‌ترین مقصد صادرات محصولات کشاورزی و غذایی ایران حفظ کرده و نقش آن در ایجاد درآمدهای صادراتی تغییر محسوسی نداشته است. در مقابل، افزایش واردات کالاهای اساسی و نهاده‌های تولید از ترکیه، به تدریج بخش عمده مازاد تجاری حاصل از صادرات به عراق را خنثی کرده است.

ترکیب کالاهای وارداتی نیز این روند را تأیید می‌کند. در سال ۱۴۰۳، غلات با حدود ۱۰۶ میلیارد دلار، روغن‌های خوراکی با ۵۹۵ میلیون دلار و خوراک دام با ۵۶۰ میلیون دلار، مهم‌ترین اقلام وارداتی ایران از این زیرمنطقه بودند. سهم بالای این کالاها نشان می‌دهد که رشد واردات، بیش از آنکه به کالاهای مصرفی مربوط باشد، ناشی از افزایش وابستگی به نهاده‌های پایه تولید در بخش کشاورزی و صنایع غذایی است.

شواهد بین‌المللی نیز این تحلیل را تقویت می‌کند. گزارش‌های سالانه USDA-FAS نشان می‌دهد که صادرکنندگان ترکیه، حتی در دوره تشدید تنش‌های منطقه‌ای، صادرات غلات و سایر محصولات کشاورزی به ایران را بدون وقفه ادامه داده‌اند (USDA-FAS, 2025). این موضوع بیانگر آن است که مسیر زمینی ترکیه، در مقایسه با مسیرهای دریایی جنوب، از تاب‌آوری عملیاتی بیشتری برخوردار بوده است.

در مجموع، مسأله اصلی این زیرمنطقه از دست رفتن بازارهای صادراتی ایران نیست؛ بلکه تغییر تدریجی توازن تجارت با ترکیه است. استمرار این روند، مهم‌ترین عامل فرسایش مزیت صادراتی ایران در غرب و قفقاز طی سال‌های اخیر بوده است.



۴-۳- زیرمنطقه خلیج فارس و دریای عمان؛ منشأ اصلی کسری تجاری ساختاری

در میان چهار زیرمنطقه مورد بررسی، تنها زیرمنطقه خلیج فارس و دریای عمان در تمام دوره مطالعه دارای تراز تجاری منفی بوده است. این کسری نه تنها کاهش نیافته، بلکه با شتاب قابل توجهی افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که از ۴۹۴ میلیون دلار در سال ۱۳۹۶ به بیش از ۴۰۱۵ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ رسیده است. به بیان دیگر، طی کمتر از یک دهه، کسری تجاری این زیرمنطقه حدود هشت برابر شده و به مهم‌ترین منشأ عدم تعادل تجارت غذایی ایران با همسایگان تبدیل شده است.

با این حال، این کسری میان کشورهای زیرمنطقه به طور یکنواخت توزیع نشده است. بخش عمده آن به تجارت ایران با امارات متحده عربی مربوط می‌شود. سهم قطر، کویت، بحرین و عربستان سعودی در تجارت غذایی ایران محدود است و تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر تراز تجاری این زیرمنطقه ندارد. عمان نیز اگرچه روابط تجاری فعال‌تری با ایران دارد، اما حجم مبادلات آن در مقایسه با امارات بسیار کمتر است.

ترکیب کالاهای وارداتی، ماهیت این وابستگی را آشکارتر می‌کند. در سال ۱۴۰۳، غلات با حدود ۱۶۱ میلیارد دلار، دانه‌های روغنی با ۸۸۷ میلیون دلار، روغن‌های خوراکی با ۷۰۰ میلیون دلار و خوراک دام با ۴۹۹ میلیون دلار، مهم‌ترین اقلام وارداتی ایران از این زیرمنطقه بوده و در مجموع حدود ۷۰ درصد ارزش واردات محصولات کشاورزی و غذایی را تشکیل داده‌اند. بنابراین، همانند زیرمنطقه غرب و قفقاز، وابستگی ایران عمدتاً به نهاده‌های پایه تولید مربوط است، نه کالاهای مصرفی نهایی.

تفاوت اساسی این زیرمنطقه با سایر مناطق، در میزان تمرکز جغرافیایی تجارت است. در حالی که واردات ایران از غرب و قفقاز میان چند شریک توزیع شده، بخش عمده واردات از خلیج فارس از طریق یک کشور انجام می‌شود. این تمرکز، آسیب‌پذیری ساختار تأمین غذا را در برابر اختلالات ژئوپلیتیکی و حمل‌ونقلی به طور قابل توجهی افزایش می‌دهد. این یافته با ادبیات بین‌المللی درباره تاب‌آوری زنجیره‌های تأمین نیز همسو است. گزارش UNCTAD (۲۰۲۴) نشان می‌دهد تمرکز تجارت بر تعداد محدودی از مسیرهای دریایی و گلوگاه‌های حمل‌ونقل، ریسک اختلال در تأمین کالاهای اساسی را افزایش می‌دهد. در مورد ایران نیز منشأ اصلی این ریسک، وابستگی به تجارت با یک شریک خاص، یعنی امارات، است؛ نه صرفاً تجارت با کل کشورهای حوزه خلیج فارس.

از منظر سیاست‌گذاری، این یافته اهمیت ویژه‌ای دارد. کاهش آسیب‌پذیری تجارت غذایی ایران الزاماً به معنای کاهش مبادلات با کشورهای حوزه خلیج فارس نیست، بلکه مستلزم تنوع‌بخشی به مسیرهای تأمین و کاهش تمرکز واردات بر یک کانال غالب است.

۴-۴- زیرمنطقه دریای خزر؛ ظرفیت راهبردی فراتر از سهم تجاری

الگوی تجارت ایران با کشورهای حاشیه دریای خزر با سه زیرمنطقه دیگر تفاوت محسوسی دارد. تراز تجاری این زیرمنطقه طی دوره مطالعه روندی یکنواخت نداشته و میان مازاد و کسری در نوسان بوده است؛ از مازاد ۵۱ میلیون دلاری در سال ۱۳۹۶ به کسری ۲۰۶ میلیون دلاری در سال ۱۳۹۹ و سپس بازگشت به مازاد ۲۵۲ میلیون دلاری در سال ۱۴۰۳. این تغییرات بیش از آنکه بیانگر یک روند ساختاری باشد، بازتاب شرایط مقطعی بازار و تغییرات واردات غلات است.



عامل اصلی این نوسانات، روسیه است. خشکسالی سال ۱۴۰۰ و افزایش واردات اضطراری گندم از این کشور، تراز تجاری زیرمنطقه را به طور موقت منفی کرد. با کاهش واردات غلات و هم‌زمان با افزایش صادرات ایران به بازارهای حاشیه دریای خزر، تراز تجاری دوباره به محدوده مثبت بازگشت.

از این رو، برخلاف زیرمنطقه خلیج فارس که در بیشتر سال‌های دوره مورد بررسی با کسری تجاری پایدار و تکرارشونده مواجه بوده است، تغییرات تجارت در دریای خزر عمدتاً ماهیتی مقطعی دارد و نمی‌توان آن را نشانه‌ای از تضعیف/ تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران در این زیرمنطقه دانست.

با وجود سهم محدود این منطقه در تجارت غذایی ایران، اهمیت آن فراتر از حجم مبادلات فعلی است. تنوع مسیرهای دسترسی، اتکا به کریدورهای زمینی، ریلی و دریایی خزر و فاصله گرفتن از گلوگاه‌های جنوبی، این زیرمنطقه را به یکی از مهم‌ترین گزینه‌های تنوع‌بخشی به مسیرهای تأمین تبدیل کرده است. با این حال، محدودیت‌هایی نظیر ظرفیت محدود برخی بنادر حاشیه خزر، نارسایی زیرساخت‌های حمل‌ونقل ریلی و ترکیبی، محدودیت ناوگان حمل‌ونقل دریایی و برخی گلوگاه‌های لجستیکی و تشریفات مرزی، هنوز مانع بهره‌برداری کامل از این ظرفیت شده‌اند. با وجود این، در شرایط بحران، توسعه این مسیرها می‌تواند با کاهش تمرکز بر کریدورهای جنوبی، تاب‌آوری زنجیره تأمین کالاهای اساسی کشور را افزایش دهد.

۴-۵- جغرافیای واقعی ریسک تجارت غذایی ایران

بررسی چهار زیرمنطقه نشان می‌دهد که تغییر جایگاه ایران در تجارت منطقه‌ای غذا، فرآیندی ناهمگون بوده است. هر زیرمنطقه مسیر متفاوتی را طی کرده و سهم متفاوتی در شکل‌گیری وضعیت کنونی تجارت غذایی ایران داشته است. زیرمنطقه شرقی همچنان تنها بخش تجارت منطقه‌ای است که مازاد تجاری پایدار خود را حفظ کرده است. زیرمنطقه غرب و قفقاز، اگرچه بخش مهمی از مزیت صادراتی خود را از دست داده، اما این تحول عمدتاً نتیجه افزایش واردات از ترکیه بوده است، نه کاهش صادرات ایران. در مقابل، نوسانات زیرمنطقه دریای خزر بیشتر ماهیتی مقطعی داشته و تاکنون به یک روند ساختاری تبدیل نشده است.

در این میان، زیرمنطقه خلیج فارس و دریای عمان جایگاهی کاملاً متفاوت دارد. تقریباً تمام کسری تجاری محصولات کشاورزی و غذایی ایران با کشورهای N15 از این زیرمنطقه ناشی می‌شود و بخش عمده این کسری نیز به تجارت با یک شریک تجاری، یعنی امارات متحده عربی، بازمی‌گردد.

بنابراین، جغرافیای ریسک تجارت غذایی ایران، برخلاف تصور رایج، در سراسر منطقه پراکنده نیست، بلکه در یک نقطه متمرکز شده است. مهم‌ترین آسیب‌پذیری ساختار تجارت غذایی کشور، تمرکز واردات بر یک زیرمنطقه، یک مسیر و یک شریک تجاری است. بر این اساس، اولویت سیاست‌گذاری نباید کاهش حجم تجارت با کشورهای منطقه باشد؛ بلکه باید بر تنوع‌بخشی به مسیرهای تأمین، گسترش شبکه شرکای تجاری و کاهش تمرکز واردات بر یک کانال غالب استوار شود. این تغییر، بیش از هر اقدام دیگری، می‌تواند تاب‌آوری تجارت غذایی ایران را در برابر شوک‌های ژئوپلیتیکی آینده افزایش دهد.



۵. بحران ژئوپلیتیک ۱۴۰۴-۰۵ آزمون تاب آوری ساختار تجارت غذایی ایران

۵-۱- سه مقطع از یک بحران در حال تکوین

تحلیل آثار بحران ژئوپلیتیکی ۱۴۰۴-۰۵ مستلزم توجه به یک محدودیت روش شناختی است. بخش‌های پیشین این گزارش بر داده‌های تجارت محصولات کشاورزی و غذایی ایران تا پیش از بحران ژئوپلیتیکی یاد شده استوار بود. در مقابل، این بخش به بررسی تحولات دوره بحران و پیامدهای اولیه آن بر تجارت غذایی کشور می‌پردازد. با توجه به تداوم بحران در زمان تدوین گزارش، تحلیل‌های ارائه شده ناظر بر شواهد موجود و آثار اولیه بحران است و نباید به عنوان ارزیابی نهایی پیامدهای آن تلقی شود. همچنین، به دلیل معاصر بودن رخدادها، شواهد این بخش عمدتاً بر گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی استوار است؛ زیرا ادبیات علمی داوری شده درباره این بحران هنوز در حال شکل‌گیری است.

برای تحلیل آثار بحران، می‌توان سه مقطع زمانی متمایز را از یکدیگر تفکیک کرد:

نخست، آغاز درگیری‌ها در نهم اسفند ۱۴۰۴؛ زمانی که حملات نظامی ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران آغاز شد و متعاقب آن، ایران نیز اهدافی را در اسرائیل و برخی پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه، از جمله در امارات، قطر و بحرین، هدف قرار داد (Reuters, 2026a; Al Jazeera Staff, 2026). این مرحله آغاز بحرانی بود که پیامدهای آن به سرعت از حوزه امنیتی فراتر رفت و شبکه‌های حمل و نقل و تجارت منطقه‌ای را نیز تحت تأثیر قرار داد.

مرحله دوم، دوره اوج اختلال در اسفند ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵ بود. در این دوره، علاوه بر تشدید تنش‌های نظامی، محدودیت‌های اعمال شده بر تردد دریایی و آغاز محاصره دریایی، عبور کشتی‌های تجاری از تنگه هرمز را با اختلال جدی مواجه کرد. افزایش هزینه حمل و نقل، طولانی شدن زمان ترانزیت و دشوارتر شدن دسترسی به کالاهای اساسی و نهادهای کشاورزی از مهم‌ترین پیامدهای این مرحله بود (Loft, 2026).

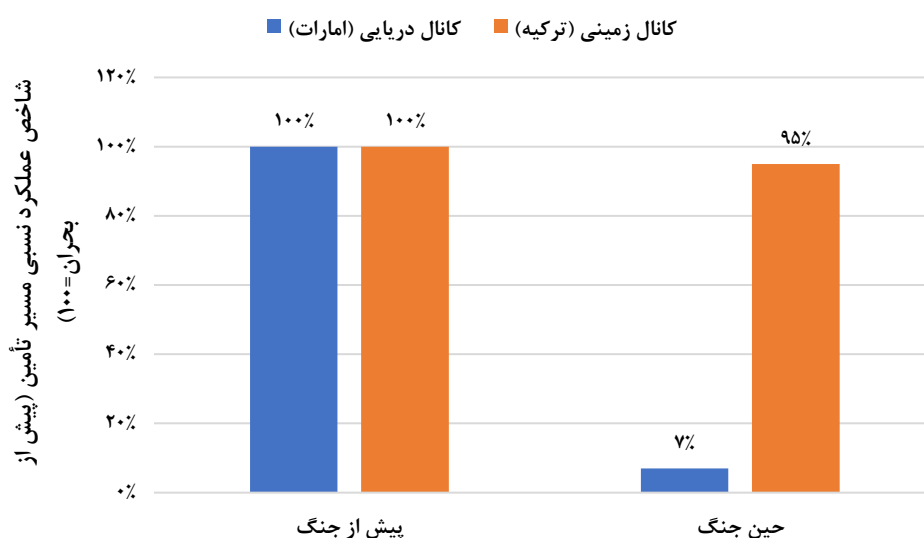
مرحله سوم، وضعیت حاکم در زمان نگارش این گزارش است؛ دوره‌ای که می‌توان آن را «ثبات شکننده» نامید. اگرچه توافق آتش‌بس در خرداد ۱۴۰۵ تا حدی شرایط تردد دریایی را بهبود بخشید، اما تکرار تنش‌های منطقه‌ای و طرح مجدد احتمال انسداد تنگه هرمز و تداوم مخاطرات ناشی از محاصره دریایی نشان می‌دهد که این مسیر هنوز به ثبات عملیاتی پایدار نرسیده است (Reuters, 2026b; Al-Monitor, 2026).

برای این گزارش، اهمیت بحران صرفاً در وقوع درگیری نظامی نیست؛ بلکه در این واقعیت نهفته است که برای نخستین بار ساختار تجارت غذایی ایران در برابر یک شوک ژئوپلیتیکی گسترده آزموده شد. همان‌گونه که پیشتر گفته شد، بخش عمده واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران از دو مسیر اصلی امارات و ترکیه انجام می‌شود. بحران اخیر این امکان را فراهم کرد که میزان تاب‌آوری هر یک از این دو مسیر در شرایط اختلال هم‌زمان ارزیابی شود.

شواهد موجود نشان می‌دهد کانال امارات، که عمدتاً به حمل و نقل دریایی و عبور از تنگه هرمز متکی است، بیشترین آسیب را از اختلالات منطقه‌ای متحمل شد. در مقابل، مسیر زمینی ترکیه توانست بخش عمده جریان تجارت را حفظ کند و

صادرات غلات و سایر نهاده‌های کشاورزی از این مسیر با وقفه جدی مواجه نشد (Loft, 2026). نمودار ۷ این تفاوت را به خوبی نشان می‌دهد.

آنچه این مقایسه را مهم می‌سازد، تفاوت شرکای تجاری نیست؛ بلکه تفاوت ساختار لجستیکی دو مسیر است. تجربه بحران نشان داد تنوع جغرافیایی مسیرهای تأمین، بیش از تنوع شرکای تجاری، در افزایش تاب‌آوری تجارت غذا نقش دارد. البته این برتری نیز نباید به عنوان یک ویژگی دائمی تلقی شود. همان‌گونه که Kalb (۲۰۲۴) در چارچوب مفهوم «تاب‌آوری بسیج‌شونده»^{۱۴} توضیح می‌دهد، تاب‌آوری تجارت خارجی ایران بیش از آنکه حاصل ظرفیت‌های ثابت نهادی باشد، نتیجه سازوکارهای تطبیقی دولت و بخش خصوصی در مواجهه با شوک‌هاست. از این منظر، عملکرد مناسب‌تر مسیر ترکیه نیز بیش از آنکه بیانگر مصونیت ذاتی آن باشد، ناشی از قرار گرفتن خارج از کانون اصلی بحران بوده است.



نمودار ۷- مقایسه تاب‌آوری مسیرهای اصلی تأمین غذا در بحران ژئوپلیتیکی ۱۴۰۴-۰۵ (منبع: Loft, 2026)

۵-۲- سرایت بحران به زنجیره تأمین غذا

پیامدهای بحران تنها به اختلال در جریان تجارت محدود نماند، بلکه به سرعت زنجیره تأمین نهاده‌های تولید غذا را نیز تحت تأثیر قرار داد.

بررسی ترکیب واردات ایران از کشورهای همسایه نشان می‌دهد بخش عمده این واردات را کالاهای مصرفی نهایی تشکیل نمی‌دهد، بلکه عمدتاً شامل غلات، دانه‌های روغنی، روغن‌های خام و خوراک دام است؛ اقلامی که استمرار تولید داخلی غذا به آن‌ها وابسته است. از این رو، هرگونه اختلال در تأمین این نهاده‌ها، با فاصله‌ای کوتاه به هزینه تولید و سپس قیمت مواد غذایی منتقل می‌شود. مطالعات بین‌المللی نیز همین سازوکار را تأیید می‌کنند. پیش از آغاز بحران، حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد تجارت جهانی کودهای شیمیایی از کشورهای حاشیه خلیج فارس انجام می‌شد و بخش عمده آن از تنگه هرمز عبور می‌کرد؛ به گونه‌ای که حدود ۲۳ درصد آمونیاک، ۳۴ درصد اوره و ۲۰ درصد فسفات جهان از این مسیر صادر می‌شد (CSIS, 2026).

¹⁴ Mobilized Resilience



اختلال در این مسیر موجب شد قیمت جهانی اوره تا اوایل فروردین ۱۴۰۵ حدود ۴۹ درصد افزایش یابد و در برخی بازارها، از جمله ایالت ایلینوی آمریکا، قیمت اوره و آمونیاک به ترتیب ۴۲ و ۱۸.۵ درصد رشد کند (CSIS, 2026). این افزایش قیمت نهاده‌های تولید، هزینه تولید محصولات زراعی و خوراک دام را افزایش داد و حتی بر الگوی کشت کشاورزان نیز اثر گذاشت؛ به گونه‌ای که وزارت کشاورزی آمریکا (USDA) برآورد کرد حدود ۲۵ درصد کشاورزان این کشور هنوز کود مورد نیاز فصل کشت را تهیه نکرده بودند و ناچار به تعدیل برنامه‌های تولید خود شدند (CSIS, 2026).

اگرچه شواهد فوق عمدتاً از بازارهای جهانی استخراج شده‌اند، اما سازوکار اثرگذاری آن‌ها برای ایران نیز مصداق دارد؛ زیرا ترکیب واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران، همانند بسیاری از کشورهای وابسته به واردات نهاده، بر غلات، دانه‌های روغنی، روغن‌های خام و خوراک دام استوار است (گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۴). در نتیجه، اختلال در تأمین ذرت، کنجاله سویا و سایر خوراک‌های دامی مستقیماً بر تولید گوشت، مرغ، تخم‌مرغ و لبنیات اثر می‌گذارد (کیان‌پور، ۱۴۰۵). ابعاد منطقه‌ای بحران نیز قابل توجه است. گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد افغانستان، که بخشی از نیاز غذایی خود را از طریق تجارت با ایران تأمین می‌کند، هم‌زمان با اختلال در شبکه تأمین منطقه‌ای با افزایش ریسک ناامنی غذایی مواجه شد (Zaki, 2026). به این ترتیب، بحرانی که با اختلال در حمل‌ونقل دریایی آغاز شد، به تدریج آثار خود را در کل شبکه غذایی منطقه آشکار کرد (FAO et al., 2024).

در مجموع، شواهد موجود از دو مسیر متفاوت به یک نتیجه واحد می‌رسند. مطالعات مربوط به ایران، آسیب‌پذیری زنجیره تأمین نهاده‌های تولید را برجسته می‌کنند و مطالعات منطقه‌ای نیز از افزایش ناامنی غذایی در کشورهای وابسته به تجارت منطقه‌ای حکایت دارند. این همگرایی نشان می‌دهد تمرکز جغرافیایی واردات، صرفاً یک ویژگی تجاری نیست، بلکه یکی از عوامل تعیین‌کننده تاب‌آوری امنیت غذایی کشور محسوب می‌شود.

۵-۳- سناریوهای پیش‌روی تجارت غذایی

تداوم بحران، ارائه پیش‌بینی قطعی از عملکرد تجارت غذایی ایران در سال ۱۴۰۵ را غیرممکن می‌سازد. این گزارش به جای پیش‌بینی، سه سناریو برای ارزیابی دامنه ریسک واردات غذایی ترسیم می‌کند (جدول ۴). مبنای مشترک هر سه سناریو، ارزش حدود ۵.۴ میلیارد دلاری واردات محصولات کشاورزی و غذایی از زیرمنطقه خلیج فارس و دریای عمان در سال ۱۴۰۳ است. همچنین در هر سه سناریو فرض می‌شود بخشی از کاهش واردات دریایی از طریق کریدورهای زمینی جبران شود. تمایز سناریوها تنها در شدت اختلال دریایی و ظرفیت جایگزینی زمینی است.

جدول ۴- سناریوهای محتمل اثر تداوم بحران ژئوپلیتیکی بر واردات غذایی ایران از زیرمنطقه خلیج فارس و دریای عمان در سال ۱۴۰۵ (منبع: محاسبات تحقیق)

سناریو	کاهش واردات از خلیج فارس	جایگزینی از مسیر زمینی	خالص کسری اضافی
اختلال محدود	۲۵ درصد	نیمی از کاهش	حدود ۰.۶۷۰ میلیارد دلار
اختلال شدید	۶۰ درصد	یک سوم از کاهش	حدود ۲.۲ میلیارد دلار

حدود ۳۶ تا ۴ میلیارد دلار	یک چهارم تا یک سوم از کاهش	۱۰۰ درصد	اختلال کامل (محاصره دریایی)
---------------------------	----------------------------	----------	-----------------------------

در سناریوی «اختلال محدود»، فرض بر آن است که کاهش تنش‌ها استمرار یافته و تردد از تنگه هرمز به تدریج به شرایط عادی بازگردد. در این وضعیت، هرچند بخشی از ظرفیت وارداتی از دست می‌رود، اما بخش مهمی از آن از طریق مسیرهای جایگزین قابل جبران خواهد بود.

در مقابل، سناریوی «اختلال شدید» بر تداوم یا تشدید اختلال در تنگه هرمز استوار است. در این حالت، ظرفیت جایگزینی مسیرهای زمینی نیز محدودتر خواهد بود و فشار بر واردات نهاده‌های اساسی و کسری تجاری محصولات غذایی افزایش می‌یابد.

در سناریوی سوم، «اختلال کامل (محاصره دریایی)»، فرض بر آن است که مسیرهای دریایی خلیج فارس و تنگه هرمز برای مدت قابل توجهی از دسترس خارج شوند و امکان واردات از این مسیرها عملاً متوقف شود. در این شرایط، تنها بخشی از واردات از طریق کریدورهای زمینی و مسیرهای جایگزین قابل جبران خواهد بود و بیشترین فشار بر تأمین نهاده‌های راهبردی تولید غذا و کالاهای اساسی وارد می‌شود. این سناریو، هرچند بدبینانه است، اما برای ارزیابی حداکثر آسیب‌پذیری ساختار تجارت غذایی ایران در شرایط تشدید بحران طراحی شده است.

هدف این سناریوها پیش‌بینی دقیق آینده نیست، بلکه برآورد دامنه ریسک و حساسیت ساختار تجارت محصولات کشاورزی و غذایی ایران در برابر سطوح مختلف اختلال ژئوپلیتیکی است. حتی اگر هیچ‌یک از این سناریوها به‌طور کامل محقق نشود، پیام سیاستی آن‌ها تغییری نمی‌کند؛ تمرکز بالای واردات بر یک مسیر یا یک کریدور، تاب‌آوری تجارت غذایی کشور را کاهش داده و هزینه اختلالات ژئوپلیتیکی را به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهد.

۵-۴- بحران، آسیب‌پذیری موجود را آشکار کرد!

بحران ژئوپلیتیکی ۱۴۰۴-۰۵ نخستین آزمون واقعی ساختار تجارت غذایی ایران در برابر یک شوک هم‌زمان منطقه‌ای بود. یافته‌ها نشان می‌دهد پیامدهای بحران بیش از آنکه ناشی از شدت درگیری‌ها باشد، بازتاب نحوه سازمان‌یافتن شبکه واردات غذایی ایران طی سال‌های گذشته است.

تحلیل روند ده‌ساله تجارت نشان داد که بخش عمده واردات محصولات کشاورزی و غذایی کشور بر دو مسیر اصلی متمرکز شده است؛ مسیرهایی که از نظر زیرساخت لجستیکی و میزان مواجهه با مخاطرات ژئوپلیتیکی ویژگی‌های متفاوتی دارند. بحران اخیر این تفاوت را از یک فرضیه تحلیلی به یک تجربه عملی تبدیل کرد. در واقع، بحران آسیب‌پذیری جدیدی ایجاد نکرد؛ بلکه آسیب‌پذیری موجود را آشکار ساخت؛ وابستگی متمرکز به یک مسیر حمل‌ونقل، که در شرایط عادی کمتر نمایان بود، در شرایط بحران به مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده تاب‌آوری تجارت غذایی کشور تبدیل شد. از این رو، افزایش تاب‌آوری تجارت غذا لزوماً به معنای کاهش واردات یا تغییر شرکای تجاری نیست. آنچه اهمیت بیشتری دارد، تنوع‌بخشی به مسیرهای تأمین، توزیع متوازن تر ریسک میان کریدورهای مختلف و کاهش وابستگی به مسیرهایی است که در برابر یک تهدید مشترک به‌طور هم‌زمان آسیب‌پذیرند. بر این اساس، بحران ژئوپلیتیکی ۱۴۰۴-۰۵ را باید نه به‌عنوان نقطه آغاز یک



آسیب‌پذیری جدید، بلکه به‌مثابه مرحله‌ای دانست که شکنندگی‌های انباشته‌شده در ساختار تجارت خارجی ایران را نمایان کرد؛ روندی که شواهد آن در داده‌های تجارت خارجی طی سال‌های گذشته قابل مشاهده بود.

۶. جمع‌بندی یافته‌ها و پیشنهادهای سیاستی

۶-۱- یافته‌های اصلی پژوهش

تحلیل داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران در دوره ۱۳۹۵ منتهی به ۱۰ ماه نخست ۱۴۰۴ نشان می‌دهد جایگاه ایران در تجارت محصولات کشاورزی و غذایی با پانزده کشور همسایه (N15)، طی یک دهه گذشته، دستخوش تغییری ساختاری شده است. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش را می‌توان در پنج محور خلاصه کرد:

نخست، جایگاه ایران از یک صادرکننده خالص منطقه‌ای به کشوری با کسری تجاری ساختاری در تجارت غذا تغییر یافته است. تراز تجاری محصولات کشاورزی و غذایی ایران با کشورهای همسایه از حدود ۲.۳۵ میلیارد دلار مازاد در سال ۱۳۹۶ به حدود ۳.۵۴ میلیارد دلار کسری در سال ۱۴۰۳ رسیده است. بررسی روندهای تجاری نشان می‌دهد این تحول عمدتاً ناشی از رشد شتابان واردات بوده و نه کاهش ظرفیت صادراتی کشور.

دوم، این تغییر ساختاری بر تعداد محدودی شریک و مسیر تجاری متمرکز شده است. در سال‌های اخیر، امارات متحده عربی و ترکیه به‌طور مشترک حدود ۷۵ تا ۸۰ درصد واردات محصولات کشاورزی و غذایی ایران از کشورهای N15 را تأمین کرده‌اند. بنابراین، مهم‌ترین ویژگی تجارت منطقه‌ای ایران نه صرفاً حجم واردات، بلکه تمرکز بالای شبکه تأمین است.

سوم، یافته‌ها نشان می‌دهد منشأ اصلی آسیب‌پذیری تجارت غذا، تمرکز مسیرهای تأمین است. تجربه بحران ژئوپلیتیکی ۱۴۰۴-۰۵ نشان داد مسیر دریایی وابسته به خلیج فارس و تنگه هرمز نسبت به شوک‌های امنیتی آسیب‌پذیرتر از مسیر زمینی ترکیه است. از این‌رو، تاب‌آوری تجارت بیش از آنکه به تعداد شرکای تجاری وابسته باشد، به تنوع کریدورهای حمل‌ونقل و مسیرهای دسترسی وابسته است.

چهارم، ایران از منظر وابستگی به واردات غذا در موقعیتی میانی نسبت به همسایگان خود قرار دارد. وابستگی کشور به واردات غلات، اگرچه قابل توجه است، اما نسبت به کشورهای مانند عراق کمتر و نسبت به کشورهایی مانند پاکستان بیشتر است. بنابراین، چالش اصلی نه اصل وابستگی، بلکه نحوه مدیریت ریسک ناشی از این وابستگی است.

پنجم، وابستگی ایران به نهاده‌های تولید غذا صرفاً به تجارت با همسایگان محدود نمی‌شود. بررسی جریان تجارت جهانی نشان می‌دهد بخش مهمی از امنیت غذایی کشور به واردات نهاده‌هایی نظیر ذرت، دانه‌های روغنی و کنجاله از بازارهای فرامنطقه‌ای وابسته است. در نتیجه، افزایش تاب‌آوری امنیت غذایی مستلزم نگاهی هم‌زمان به تجارت منطقه‌ای و شبکه جهانی تأمین نهاده‌های کشاورزی است.



۶-۲- تجربه منطقه‌ای؛ مدیریت ریسک به جای کاهش تجارت

تجربه کشورهای منطقه نشان می‌دهد آسیب‌پذیری ناشی از تمرکز واردات، موضوعی محدود به ایران نیست. بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس که وابستگی بالایی به واردات مواد غذایی دارند، طی سال‌های اخیر با مخاطرات مشابه مواجه شده و در واکنش به آن، سیاست‌هایی برای افزایش تاب‌آوری شبکه تأمین غذا اتخاذ کرده‌اند (GCC Business Watch, 2026). نمونه شاخص، قطر است. بحران دیپلماتیک سال ۱۳۹۶ و بسته شدن مرز زمینی این کشور، نشان داد اتکای بیش از حد به یک مسیر تأمین می‌تواند امنیت غذایی را در مدت کوتاهی با مخاطره مواجه کند. در پاسخ، قطر راهبرد امنیت غذایی خود را بر پایه تنوع‌بخشی به شبکه تأمین بازرگانی کرد؛ به گونه‌ای که برای هر کالای اساسی چندین تأمین‌کننده مستقل تعریف شد و سهم هر کشور در واردات، در دامنه مشخصی مدیریت شد (Kent, 2026). اهمیت این تجربه، بیش از آنکه در انتخاب کشورهای طرف معامله باشد، در استفاده از یک ابزار سیاستی قابل سنجش است؛ یعنی کنترل سهم هر تأمین‌کننده در واردات کالاهای راهبردی. چنین رویکردی بدون ایجاد اختلال در تجارت، امکان مدیریت تدریجی ریسک تمرکز را فراهم می‌کند.

کشورهای منطقه هم‌زمان بر توسعه ذخایر راهبردی نیز تأکید کرده‌اند. عربستان سعودی و امارات متحده عربی طی سال‌های اخیر علاوه بر ذخایر کالاهای اساسی، ذخایری برای بخشی از نهاده‌های کشاورزی ایجاد کرده‌اند تا در صورت اختلال در تجارت خارجی، استمرار تولید و عرضه داخلی با وقفه جدی مواجه نشود (Vertical Farm Daily, 2026). در ایران نیز اگرچه ذخایر راهبردی برخی کالاهای اساسی وجود دارد، تجربه بحران اخیر نشان داد برنامه‌ریزی برای ذخایر نهاده‌های تولید، به‌ویژه خوراک دام، دانه‌های روغنی و سایر نهاده‌های حیاتی، می‌تواند مکمل مهمی برای افزایش تاب‌آوری امنیت غذایی باشد.

مرور این تجربه‌ها یک پیام مشترک دارد: افزایش تاب‌آوری تجارت غذا بیش از آنکه به افزایش حجم واردات وابسته باشد، به نحوه مدیریت شبکه تأمین وابسته است. تنوع‌بخشی به شرکای تجاری، توزیع متوازن واردات میان مسیرهای مختلف حمل‌ونقل و ایجاد ذخایر راهبردی، سه ابزار مکمل برای کاهش آسیب‌پذیری تجارت غذا به شمار می‌روند.

۶-۳- پیشنهادی سیاستی

چالش اصلی تجارت غذایی ایران، کاهش حجم صادرات یا افزایش واردات به‌تنهایی نیست، بلکه تغییر تدریجی ساختار جایگاه منطقه‌ای کشور است. طی یک دهه گذشته، وابستگی وارداتی ایران بر تعداد محدودی شریک و مسیر تجاری متمرکز شده، در حالی که شبکه صادراتی کشور همچنان بر چند بازار سنتی متکی مانده است. از این‌رو، تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران مستلزم سیاست‌هایی است که هم‌زمان سه هدف را دنبال کنند: کاهش تمرکز ریسک، افزایش تاب‌آوری شبکه تجاری و حفظ مزیت‌های صادراتی موجود. بر این اساس، شش اولویت سیاستی زیر پیشنهاد می‌شود (جدول ۵).



جدول ۵- اولویت‌های سیاستی پیشنهادی برای ارتقای تاب‌آوری تجارت غذایی ایران

اولویت	راهبردی پیشنهادی	ارتباط با یافته‌های گزارش
بالا	تعیین سقف مشخص برای سهم هر کشور در تامین کالاهای اساسی غذایی و نهاده‌های راهبردی (مانند مدل قطر)	کاهش تمرکز واردات و مدیریت ریسک وابستگی
بالا	توسعه کریدورهای جایگزین زمینی و ریلی، به‌ویژه از مسیر ترکیه، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان	افزایش تاب‌آوری شبکه تامین
بالا	ایجاد ذخایر راهبردی نهاده‌های کشاورزی با افق حداقل دو تا چهار ماه مصرف	کاهش آسیب‌پذیری در برابر اختلالات کوتاه‌مدت
متوسط	حفظ و تعمیق بازارهای صادراتی عراق و افغانستان، به‌عنوان مهم‌ترین مقاصد صادرات محصولات کشاورزی و غذایی ایران	تثبیت مزیت صادراتی کشور
متوسط	تنوع‌بخشی به منابع جهانی تأمین نهاده‌های دامی و روغنی	کاهش ریسک وابستگی به تأمین‌کنندگان محدود
پایین	استقرار نظام پایش مستمر تمرکز تجارت منطقه‌ای و انتشار دوره‌ای شاخص‌های هشدار زود هنگام	پشتیبانی از تصمیم‌گیری مبتنی بر داده

۶-۴- جمع‌بندی

این گزارش با یک پرسش آغاز شد: جایگاه ایران در تجارت منطقه‌ای غذا طی یک دهه گذشته چگونه تغییر کرده است؟ تحلیل داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد پاسخ این پرسش را نمی‌توان صرفاً در تغییر حجم صادرات یا واردات جست‌وجو کرد. جایگاه منطقه‌ای ایران حاصل برهم‌کنش سه مؤلفه اصلی است: ترکیب تجارت، میزان تمرکز شبکه تأمین و تاب‌آوری مسیرهای تجاری.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ایران همچنان یکی از تأمین‌کنندگان اصلی محصولات کشاورزی و غذایی در بازارهایی مانند عراق و افغانستان است؛ اما هم‌زمان، در بخش واردات به شبکه‌ای متکی شده که بخش عمده آن بر تعداد محدودی شریک و مسیر حمل‌ونقل استوار است. این تحول بیش از آنکه نتیجه کاهش توان صادراتی باشد، پیامد رشد سریع واردات نهاده‌های تولید و تمرکز فزاینده شبکه تأمین است.

بحران ژئوپلیتیکی ۲۰۲۰-۲۰۲۱ این روند را ایجاد نکرد، بلکه آن را آشکار ساخت. تجربه بحران نشان داد آسیب‌پذیری تجارت غذایی ایران پیش از وقوع شوک نیز در ساختار تجارت کشور وجود داشته و در شرایط بحران تنها نمایان‌تر شده است. از این منظر، ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران در تجارت غذا بیش از آنکه به افزایش حجم تجارت وابسته باشد، به ارتقای کیفیت شبکه تجارت وابسته است؛ شبکه‌ای که در آن تنوع مسیرهای تأمین، کاهش تمرکز واردات، حفظ بازارهای صادراتی راهبردی و استقرار نظام پایش مستمر تجارت، چهار رکن مکمل برای افزایش تاب‌آوری امنیت غذایی کشور محسوب می‌شوند.

۷. منابع

- ثاقب، ح؛ رنجبر، ا؛ و تازی، ف. (۱۴۰۲). فرصت‌های صادراتی ایران در بازار عراق: تلفیق مدل پشتیبان تصمیم و رویکردهای فضای محصول و پیچیدگی اقتصادی. فصلنامه علمی پژوهش‌های اقتصاد صنعتی، ۷(۲۳)، ۸۷-۱۰۶.
- حسینی، م؛ و نوروزی، ب. (۱۳۹۹). ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های صادراتی محصولات صنایع غذایی ایران به بازار روسیه. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۳(۱)، ۲۳-۴۶.
- فکاری سردهایی، ب؛ فارسی، م. م؛ کیان پور، ر؛ و رفیعی، ح. (۱۴۰۲). بررسی صادرات محصولات کشاورزی. تهران: مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران. ۵۱ صفحه.
- قلی‌پور، س؛ حسینی، م؛ و پیروز، ا. (۱۴۰۴). فرصت‌ها و چالش‌های تجارت محصولات غذایی ایران به بازار عمان. مطالعات کشورها، ۳(۲)، ۴۳۷-۴۴۱.
- کویانی، ز؛ بیرجندی، م. ص. (۱۴۰۳). مروری بر وضعیت تجارت خارجی ایران، با تأکید بر شش ماهه نخست سال ۱۴۰۳. <https://doi.org/10.22034/report.mrc.2025.1403.32.12.20787>
- کیان‌پور، ر. (۱۴۰۵). تابآوری زنجیره مرغ و تخم‌مرغ ایران؛ تحلیل لایه‌های زنجیره ارزش، ریسک‌ها و سناریوهای امنیت غذایی. تهران: معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران. ۲۳ صفحه.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۴). آمار تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران. مرکز آمار ایران. سهم بخش کشاورزی و صنایع وابسته از تولید ناخالص داخلی. تهران: مرکز آمار ایران.
- Al Jazeera Staff. (2026, February 28). US, Israel launch attack on Iran, explosions in Israel, Arab states. Al Jazeera. <https://www.aljazeera.com/news/2026/2/28/explosions-in-downtown-tehran-smoke-seen-rising>.
- Al-Monitor. (2026, June 15). Iran, US agree to halt war and reopen Hormuz. <https://www.al-monitor.com/originals/2026/06/iran-us-agree-halt-war-and-reopen-hormuz-sending-oil-prices-tumbling>.
- CSIS (Center for Strategic and International Studies). (2026). Iran, Fertilizer, and Food Security: Risks, Impacts, and Policy Responses. Center for Strategic and International Studies.
- FAO, IFAD, UNICEF, WFP, and WHO. (2024). The State of Food Security and Nutrition in the World 2024 (SOFI 2024). Rome: FAO. <https://doi.org/10.4060/cd1254en>.
- FAO. 2018. World Food and Agriculture – Statistical Pocketbook 2018. Rome. <https://doi.org/10.4060/CA1796EN>.
- FAO. 2025. World Food and Agriculture – Statistical Pocketbook 2025. Rome. <https://doi.org/10.4060/cd7032en>.
- Food and Agriculture Organization of the United Nations. (2024). The State of Food and Agriculture 2024. Rome: FAO.
- GCC Business Watch. (2026). The new economics of food security in the Gulf. GCC Business Watch. <https://gccbusinesswatch.com/news/the-new-economics-of-food-security-in-the-gulf/>.

- Ghalibaf, M. B., Gholami, M., and Mohammadian, N. (2022). Stability of food security in Iran; challenges and ways forward: A narrative review. *Iranian Journal of Public Health*, 51(12), 2654–2663. <https://doi.org/10.18502/ijph.v51i12.11456>.
- Global Network Against Food Crises. (2024). Global Report on Food Crises 2024. <https://www.fsinplatform.org/grfc2024>.
- Hejazi, J. and Emamgholipour, S. (2022). The Effects of the Re-imposition of US Sanctions on Food Security in Iran. *Int J Health Policy Manage.* 2022 May 1;11(5):651-657. doi: 10.34172/ijhpm.2020.207.
- Kalb, D. (2024). Mobilized resilience: Sanctions, state, and society in Iran's political economy. Development and Change, advance online publication.
- Kent, M. (2026). Food and water security as an element of national security: Strategies for the Gulf. ORF Middle East Expert Speak. <https://orfme.org/expert-speak/food-and-water-security-as-an-element-of-national-security-strategies-for-the-gulf/>.
- Loft, Ph. (2026). Israel/US-Iran conflict 2026: Reopening the Strait of Hormuz. UK Parliament, House of Commons Library.
- Reuters. (2026a, February 28). US and Israel launch “pre-emptive” attack against Iran. Reuters. <https://www.reuters.com/world/middle-east/israel-says-it-launched-pre-emptive-attack-against-iran-2026-02-28/>.
- Reuters. (2026b, June 20). US forces monitoring Strait of Hormuz to ensure it stays open. Reuters. <https://www.reuters.com/world/middle-east/us-forces-monitoring-strait-hormuz-ensure-it-stays-open-2026-06-20/>.
- Trading Economics / UN Comtrade. (2022–2024). Iran trade statistics by partner country [Data set]. Trading Economics.
- United Nations Conference on Trade and Development. (2024). Navigating troubled waters: Impact to global trade of disruption of shipping routes in the Red Sea, Black Sea and Panama Canal. UNCTAD.
- USDA-FAS (United States Department of Agriculture, Foreign Agricultural Service). (2024). Grain and feed annual report: United Arab Emirates. USDA Foreign Agricultural Service.
- USDA-FAS (United States Department of Agriculture, Foreign Agricultural Service). (2025). Grain and feed annual report: Turkey. USDA Foreign Agricultural Service.
- Vertical Farm Daily. (2026). Impact of the Middle East war on food systems in the GCC: An overview. Vertical Farm Daily. <https://www.verticalfarmdaily.com/article/9825868/impact-of-the-middle-east-war-on-food-systems-in-the-gcc-an-overview/>.
- World Bank. (2025). World Development Indicators: Agriculture, forestry, and fishing, value added (% of GDP) – Iran, Islamic Republic. Washington, DC: World Bank.
- World Trade Organization. (2024). World Trade Statistical Review 2024. Geneva: WTO.

- Zaki, S. (2026). Iran war regional impacts: Growing food security risks in Afghanistan. International Food Policy Research Institute. <https://www.ifpri.org/blog/iran-war-regional-impacts-growing-food-security-risks-in-afghanistan/>.
- Zweiri, M., and Abusharar, N. (2022). Iran's Trade with Neighbors: Sanctions' Impact and the Alternatives. Middle East Policy.